

اسناد

منتشر نشده

مطبوعات

آذربایجان

غلامرضا عزیزی

از ۱۲۹۶ تا ۱۳۲۰ ه. ش.

شدیدالحنی سردبیر آن دستگیر و شکنجه شده و روزنامه تعطیل می‌گردد.^(۴)

اسنادی که پیرامون این روزنامه ارائه شده نشانگر چاپ مجدد آن در ربیع‌الثانی سال ۱۳۳۶ ه. ق می‌باشد (سند شماره ۱). پس از چاپ شماره اول، به سردبیر آن «میرزا یوسف کاظم‌زاده تبریزی» ابلاغ می‌شود که چاپ این روزنامه تا گرفتن امتیاز مجدد ممنوع است (اسناد شماره ۳ و ۲) با این وجود شماره دوم روزنامه در ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۳۶ ه. ق چاپ و روز بعد توزیع شده است (اسناد شماره ۴ و ۳).

در منابع مورد مراجعه از انتشار مجدد روزنامه فروردین سخنی به میان نیامده است.^(۵)

روزنامه کیوان در بهار سال ۱۳۲۰ به مسئولیت ربیع انصاری در شهرستان ارومیه به چاپ رسیده است.^(۶)

اسناد ۱ تا ۲ نمایانگر روند کسب امتیاز و اسناد ۵ تا ۷ پیرامون مشکلات مالی روزنامه یاد شده و همچنین کاستی‌های صنعت نشر در شهرستان ارومیه می‌باشند.

مجله اطلاع در منابع مراجعه شده، بجز «اسناد مطبوعات»، به مجله اطلاع

اسنادی که در این مجموعه ارائه می‌شوند، اسنادی هستند که پس از انتقال پرونده‌های بایگانی راکد آموزش و پرورش آذربایجان غربی به مدیریت منطقه شمال غرب سازمان اسناد ملی ایران، مرکز تبریز، به دست آمده‌اند.

از آنجایی که این اسناد فاصله زمانی ۱۲۹۶ تا مرداد ۱۳۲۰ ه. ش را دربرمی‌گیرد، در حقیقت تکمله کتاب «اسناد مطبوعات» هستند که پیش از این توسط سازمان اسناد ملی ایران به چاپ رسیده است.^(۷)

اسناد ارائه شده مربوط به روزنامه‌های فروردین، رضائیه، کیوان و مجله اطلاع و علاوه بر آن نمایانگر کوشش‌های به ثمر نرسیده‌ای است که برای انتشار روزنامه و مجله در استان آذربایجان غربی، صورت گرفته است.

روزنامه فروردین در شهر ارومیه به مدیریت حبیب‌الله آقازاده و سردبیری محمود اشرف‌زاده در تاریخ ۲۸ جمادی‌الاولی ۱۳۲۹ ه. ق در ارومیه تأسیس گردید.^(۸)

این روزنامه از جمله روزنامه‌های پرتیراژ شهرستانی حزب دمکرات بوده است.^(۹)

به علت مشی سیاسی و مندرجاتش که بیشتر «شرح مظالم و دسائس روس‌ها در ایران، مخصوصاً در آذربایجان» بود و به علت نشر مقاله

اشاره‌ای نشده است.

هرچند اسناد این مجموعه به روند چگونگی درخواست و دریافت امتیاز این مجله می‌پردازند و پیرامون چاپ آن مطالبی ارائه نمی‌شود، ولی براساس سندی که در کتاب «اسناد مطبوعات» آمده این مجله تا قبل از تیر ماه ۱۳۱۳ به چاپ می‌رسیده است.^(۷)

محمدحسن خان امیرنظمی افشار در تاریخ ۱۳۰۹/۷/۳۰ تقاضای صدور امتیاز «مجله» ای را نموده (سند شماره ۱) که پس از طی مراحل، در آبان ماه ۱۳۱۲^(۸) امتیاز نشر مجله «اطلاع» را دریافت می‌نماید. انتشار این مجله براساس تعهدنامه صاحب امتیاز آن، به صورت ماهانه با تیراژ ۲۰۰ نسخه بوده است. (سند شماره ۸)

روزنامه رضائیه در شهرستان ارومیه در سال ۱۳۰۹ به مدیریت محمدحسن امیرنظمی افشار، به صورت هفتگی، به چاپ رسیده است. مدیر مسئول این روزنامه قبل از به تصویب رسیدن نام «رضائیه» چندین نام را پیشنهاد کرده، به همین دلیل مجموعه آن مکاتبات، به جز اسناد مجله شیر و خورشید سرخ رضائیه، نیز ذیل اسناد روزنامه رضائیه آمده است. صدر هاشمی انتشار شماره اول این روزنامه را در تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۰۹ ذکر کرده است^(۹)، در صورتی که سند شماره ۵ بیانگر این مطلب است که این نشریه قبل از تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۰۹ منتشر شده است. اسناد شماره ۱ تا ۳ پیرامون چگونگی دریافت امتیاز و اسناد شماره ۴ و ۵ پیرامون انتشار این روزنامه می‌باشند.

براساس مشکلات فراوان، به قول مدیر روزنامه به علت «مزاحمت‌های کثیره و معارف گشانه اشخاص شریر و بدنفس و حسود این شهر و کثرت طلب مطبوعه و عدم وصول وجوهای آبرونه از مشترکین شهری و ولایات» روزنامه در سال ۱۳۱۱ تعطیل می‌شود. (سند شماره ۱۲) بنا به نوشته صدر هاشمی این روزنامه مجدداً در سال ۱۳۱۲ شمسی پا به

دایره انتشار گذاشته و دو مرتبه تعطیل شده است.^(۱۱)

اسناد ارائه شده، به این دوره انتشار روزنامه اشاره‌ای ندارند اما به انتشار مجدد آن در تیرماه ۱۳۱۴ اشاره شده است. (سند شماره ۱۰). سند شماره ۱۴ نشان‌دهنده تعطیلی مجدد این روزنامه است.

گروه دوم اسناد شامل تقاضاهای دریافت امتیاز روزنامه‌های پروین، شهابنگ، شمال غرب، ناله آزادی و مجله شیر و خورشید سرخ رضائیه و مکاتبات مربوط به آنها، هستند.

اسناد ارائه شده اطلاعات کاملی پیرامون دریافت نکردن امتیاز نشر روزنامه‌های یاد شده، به جز ناله آزادی و مجله شیر و خورشید سرخ رضائیه، ارائه نمی‌کنند.

روزنامه ناله آزادی به دلیل «انحراف از دستور» امتیاز نشر دریافت نکرده است (ناله آزادی سند شماره ۴۳) که البته منظور دقیق «انحراف از دستور» در اسناد موجود مشخص نیست.

عدم دریافت امتیاز نشر روزنامه‌های شهابنگ و شمال غرب به تصویب نرسیدن قانون جدید مطبوعات اعلام شده است. (نک شهابنگ سند شماره ۴ و شمال غرب سند شماره ۳).

از آنجایی که امتیاز مجله شیر و خورشید به جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران داده شده و جمعیت مزبور موافقت با آن تقاضا نداشته لذا امتیاز جداگانه برای شیر [و] خورشید سرخ رضائیه صادر نشده است. (شیر و خورشید سرخ رضائیه سند شماره ۴).

دریافت نکردن امتیاز نشر روزنامه پروین نیز روشن نیست. در سند شماره ۱۳ اشاره شده که تقاضای میرزا هاشم خان دبیرالوزراء به مرکز ارسال شده ولی جوابی نیامده است و اداره معارف آذربایجان پیگیری مکاتبات را منوط به تشکیل کابینه جدید می‌داند.

با وجود تشکیل کابینه جدید (سند شماره ۵) مشخص نمی‌شود که چرا این روزنامه امتیاز نشر دریافت نکرده است.

یادداشتها:

- ۱ - این کتاب با این ویژگیها منتشر شده:
- ۲ - پات، کاوه، کوهستانی زاده، مسعود: اسناد مطبوعات (۱۳۲۰ - ۱۳۲۸ ه. ش) سازمان اسناد ملی ایران، تهران، بهار ۱۳۷۲، جلد ۲.
- ۳ - رابینو، ل. ه. روزنامه‌های ایران (از آغاز تا سال ۱۳۲۹ ه. ق. - ۱۳۸۹ ه. ش با اضافات) ترجمه و تدوین جعفر خمایی زاده، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۲، ص ۲۰۱.
- ۴ - کهن، گوئل: تاریخ مسعود در مطبوعات ایران، آگاه، تهران، ۱۳۶۲، ج ۲ (از صدور فرمان شرطیت تا کودتای ۱۲۹۹ خورشیدی) ص ۱ - ۵۸۰.
- ۵ - صدر حاشمی، محمد: تاریخ جراید و مجلات ایران، انتشارات کمال، اصفهان، ۱۳۶۲، چاپ دوم، ج ۴، ص ۲ - ۷۰.
- ۶ - منظور از منابع مورد مراجعه، علاوه بر کتابهای ذکر شده، آثار زیر می‌باشند:
- ۷ - نغمونی، حسین: تاریخچه انتشار روزنامه‌ها و مجلات در آذربایجان و تبریز از صد سال پیش تا کنون. نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال پانزدهم (بهار ۱۳۴۲) ص ۱۴ - ۱.
- ۸ - رستم‌فایز جدی، سولماز: آذربایجان دوری مطبوعاتی (۱۹۹۰ - ۱۸۷۵) بی‌لوازه. آذر نشر، باکو، ۱۹۹۳.
- ۹ - صدر حاشمی، محمد: تاریخ جراید و مجلات ایران، جلد ۴، ص ۱۵۲.
- ۱۰ - نگاه کنید: پات، کاوه، کوهستانی زاده، مسعود: اسناد مطبوعات، جلد ۱، ص ۶۰ - ۵۵۹.
- ۱۱ - تاریخ ذکر شده در سند شماره ۳ (مجله اطلاع) ۱۳۱۲/۸/۱۴ در سند شماره ۲، ۱۳۱۲/۸/۱۴ است.
- ۱۲ - صدر حاشمی، محمد: تاریخ جراید و مجلات ایران، جلد ۲، ص ۳۲۰.
- ۱۳ - همانجا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

فروردین

سند شماره ۱۵

اداره معارف ارومیه، نمره ۹۵، کارتن ۱، دوسیه ۴، به تاریخ ۷ شهر ربیع الثانی (۱۳۳۶)، مطابق اول برج دلو ۱۳۹۶ (۱۱۱۲۹۶)

مقام منبع ریاست محترم اداره جلیله کل معارف ایالت آذربایجان دامت شوکته، در این روزه جریده فروردین که از جراید سنه ۱۳۲۹ بوده، در آن وقت قشون روسی که آذربایجان را اشغال نموده، این جریده را هم تعطیل کرده، اینک مجدداً طبع و نشر و یک نمره از آن هم منتشر گردیده است. حالیه چاکر از آن مقام محترم در این باب کسب تکلیف می‌نماید، جریده‌ای که چند سال تعطیل کرده باشد دوباره به موجب قانون مطبوعات مدیر آن حق انتشار را دارد و یا ممنوع است؟ امر مبارک مطاع [است]. [امضا] حسین.

۱ - اصل: ع ۲
۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ - ۸ - ۹ - ۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ - ۱۵ - ۱۶ - ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۱ - ۲۲ - ۲۳ - ۲۴ - ۲۵ - ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - ۲۹ - ۳۰ - ۳۱ - ۳۲ - ۳۳ - ۳۴ - ۳۵ - ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۳۹ - ۴۰ - ۴۱ - ۴۲ - ۴۳ - ۴۴ - ۴۵ - ۴۶ - ۴۷ - ۴۸ - ۴۹ - ۵۰ - ۵۱ - ۵۲ - ۵۳ - ۵۴ - ۵۵ - ۵۶ - ۵۷ - ۵۸ - ۵۹ - ۶۰ - ۶۱ - ۶۲ - ۶۳ - ۶۴ - ۶۵ - ۶۶ - ۶۷ - ۶۸ - ۶۹ - ۷۰ - ۷۱ - ۷۲ - ۷۳ - ۷۴ - ۷۵ - ۷۶ - ۷۷ - ۷۸ - ۷۹ - ۸۰ - ۸۱ - ۸۲ - ۸۳ - ۸۴ - ۸۵ - ۸۶ - ۸۷ - ۸۸ - ۸۹ - ۹۰ - ۹۱ - ۹۲ - ۹۳ - ۹۴ - ۹۵ - ۹۶ - ۹۷ - ۹۸ - ۹۹ - ۱۰۰ - ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴ - ۱۰۵ - ۱۰۶ - ۱۰۷ - ۱۰۸ - ۱۰۹ - ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۲ - ۱۱۳ - ۱۱۴ - ۱۱۵ - ۱۱۶ - ۱۱۷ - ۱۱۸ - ۱۱۹ - ۱۲۰ - ۱۲۱ - ۱۲۲ - ۱۲۳ - ۱۲۴ - ۱۲۵ - ۱۲۶ - ۱۲۷ - ۱۲۸ - ۱۲۹ - ۱۳۰ - ۱۳۱ - ۱۳۲ - ۱۳۳ - ۱۳۴ - ۱۳۵ - ۱۳۶ - ۱۳۷ - ۱۳۸ - ۱۳۹ - ۱۴۰ - ۱۴۱ - ۱۴۲ - ۱۴۳ - ۱۴۴ - ۱۴۵ - ۱۴۶ - ۱۴۷ - ۱۴۸ - ۱۴۹ - ۱۵۰ - ۱۵۱ - ۱۵۲ - ۱۵۳ - ۱۵۴ - ۱۵۵ - ۱۵۶ - ۱۵۷ - ۱۵۸ - ۱۵۹ - ۱۶۰ - ۱۶۱ - ۱۶۲ - ۱۶۳ - ۱۶۴ - ۱۶۵ - ۱۶۶ - ۱۶۷ - ۱۶۸ - ۱۶۹ - ۱۷۰ - ۱۷۱ - ۱۷۲ - ۱۷۳ - ۱۷۴ - ۱۷۵ - ۱۷۶ - ۱۷۷ - ۱۷۸ - ۱۷۹ - ۱۸۰ - ۱۸۱ - ۱۸۲ - ۱۸۳ - ۱۸۴ - ۱۸۵ - ۱۸۶ - ۱۸۷ - ۱۸۸ - ۱۸۹ - ۱۹۰ - ۱۹۱ - ۱۹۲ - ۱۹۳ - ۱۹۴ - ۱۹۵ - ۱۹۶ - ۱۹۷ - ۱۹۸ - ۱۹۹ - ۲۰۰ - ۲۰۱ - ۲۰۲ - ۲۰۳ - ۲۰۴ - ۲۰۵ - ۲۰۶ - ۲۰۷ - ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۰ - ۲۱۱ - ۲۱۲ - ۲۱۳ - ۲۱۴ - ۲۱۵ - ۲۱۶ - ۲۱۷ - ۲۱۸ - ۲۱۹ - ۲۲۰ - ۲۲۱ - ۲۲۲ - ۲۲۳ - ۲۲۴ - ۲۲۵ - ۲۲۶ - ۲۲۷ - ۲۲۸ - ۲۲۹ - ۲۳۰ - ۲۳۱ - ۲۳۲ - ۲۳۳ - ۲۳۴ - ۲۳۵ - ۲۳۶ - ۲۳۷ - ۲۳۸ - ۲۳۹ - ۲۴۰ - ۲۴۱ - ۲۴۲ - ۲۴۳ - ۲۴۴ - ۲۴۵ - ۲۴۶ - ۲۴۷ - ۲۴۸ - ۲۴۹ - ۲۵۰ - ۲۵۱ - ۲۵۲ - ۲۵۳ - ۲۵۴ - ۲۵۵ - ۲۵۶ - ۲۵۷ - ۲۵۸ - ۲۵۹ - ۲۶۰ - ۲۶۱ - ۲۶۲ - ۲۶۳ - ۲۶۴ - ۲۶۵ - ۲۶۶ - ۲۶۷ - ۲۶۸ - ۲۶۹ - ۲۷۰ - ۲۷۱ - ۲۷۲ - ۲۷۳ - ۲۷۴ - ۲۷۵ - ۲۷۶ - ۲۷۷ - ۲۷۸ - ۲۷۹ - ۲۸۰ - ۲۸۱ - ۲۸۲ - ۲۸۳ - ۲۸۴ - ۲۸۵ - ۲۸۶ - ۲۸۷ - ۲۸۸ - ۲۸۹ - ۲۹۰ - ۲۹۱ - ۲۹۲ - ۲۹۳ - ۲۹۴ - ۲۹۵ - ۲۹۶ - ۲۹۷ - ۲۹۸ - ۲۹۹ - ۳۰۰ - ۳۰۱ - ۳۰۲ - ۳۰۳ - ۳۰۴ - ۳۰۵ - ۳۰۶ - ۳۰۷ - ۳۰۸ - ۳۰۹ - ۳۱۰ - ۳۱۱ - ۳۱۲ - ۳۱۳ - ۳۱۴ - ۳۱۵ - ۳۱۶ - ۳۱۷ - ۳۱۸ - ۳۱۹ - ۳۲۰ - ۳۲۱ - ۳۲۲ - ۳۲۳ - ۳۲۴ - ۳۲۵ - ۳۲۶ - ۳۲۷ - ۳۲۸ - ۳۲۹ - ۳۳۰ - ۳۳۱ - ۳۳۲ - ۳۳۳ - ۳۳۴ - ۳۳۵ - ۳۳۶ - ۳۳۷ - ۳۳۸ - ۳۳۹ - ۳۴۰ - ۳۴۱ - ۳۴۲ - ۳۴۳ - ۳۴۴ - ۳۴۵ - ۳۴۶ - ۳۴۷ - ۳۴۸ - ۳۴۹ - ۳۵۰ - ۳۵۱ - ۳۵۲ - ۳۵۳ - ۳۵۴ - ۳۵۵ - ۳۵۶ - ۳۵۷ - ۳۵۸ - ۳۵۹ - ۳۶۰ - ۳۶۱ - ۳۶۲ - ۳۶۳ - ۳۶۴ - ۳۶۵ - ۳۶۶ - ۳۶۷ - ۳۶۸ - ۳۶۹ - ۳۷۰ - ۳۷۱ - ۳۷۲ - ۳۷۳ - ۳۷۴ - ۳۷۵ - ۳۷۶ - ۳۷۷ - ۳۷۸ - ۳۷۹ - ۳۸۰ - ۳۸۱ - ۳۸۲ - ۳۸۳ - ۳۸۴ - ۳۸۵ - ۳۸۶ - ۳۸۷ - ۳۸۸ - ۳۸۹ - ۳۹۰ - ۳۹۱ - ۳۹۲ - ۳۹۳ - ۳۹۴ - ۳۹۵ - ۳۹۶ - ۳۹۷ - ۳۹۸ - ۳۹۹ - ۴۰۰ - ۴۰۱ - ۴۰۲ - ۴۰۳ - ۴۰۴ - ۴۰۵ - ۴۰۶ - ۴۰۷ - ۴۰۸ - ۴۰۹ - ۴۱۰ - ۴۱۱ - ۴۱۲ - ۴۱۳ - ۴۱۴ - ۴۱۵ - ۴۱۶ - ۴۱۷ - ۴۱۸ - ۴۱۹ - ۴۲۰ - ۴۲۱ - ۴۲۲ - ۴۲۳ - ۴۲۴ - ۴۲۵ - ۴۲۶ - ۴۲۷ - ۴۲۸ - ۴۲۹ - ۴۳۰ - ۴۳۱ - ۴۳۲ - ۴۳۳ - ۴۳۴ - ۴۳۵ - ۴۳۶ - ۴۳۷ - ۴۳۸ - ۴۳۹ - ۴۴۰ - ۴۴۱ - ۴۴۲ - ۴۴۳ - ۴۴۴ - ۴۴۵ - ۴۴۶ - ۴۴۷ - ۴۴۸ - ۴۴۹ - ۴۵۰ - ۴۵۱ - ۴۵۲ - ۴۵۳ - ۴۵۴ - ۴۵۵ - ۴۵۶ - ۴۵۷ - ۴۵۸ - ۴۵۹ - ۴۶۰ - ۴۶۱ - ۴۶۲ - ۴۶۳ - ۴۶۴ - ۴۶۵ - ۴۶۶ - ۴۶۷ - ۴۶۸ - ۴۶۹ - ۴۷۰ - ۴۷۱ - ۴۷۲ - ۴۷۳ - ۴۷۴ - ۴۷۵ - ۴۷۶ - ۴۷۷ - ۴۷۸ - ۴۷۹ - ۴۸۰ - ۴۸۱ - ۴۸۲ - ۴۸۳ - ۴۸۴ - ۴۸۵ - ۴۸۶ - ۴۸۷ - ۴۸۸ - ۴۸۹ - ۴۹۰ - ۴۹۱ - ۴۹۲ - ۴۹۳ - ۴۹۴ - ۴۹۵ - ۴۹۶ - ۴۹۷ - ۴۹۸ - ۴۹۹ - ۵۰۰ - ۵۰۱ - ۵۰۲ - ۵۰۳ - ۵۰۴ - ۵۰۵ - ۵۰۶ - ۵۰۷ - ۵۰۸ - ۵۰۹ - ۵۱۰ - ۵۱۱ - ۵۱۲ - ۵۱۳ - ۵۱۴ - ۵۱۵ - ۵۱۶ - ۵۱۷ - ۵۱۸ - ۵۱۹ - ۵۲۰ - ۵۲۱ - ۵۲۲ - ۵۲۳ - ۵۲۴ - ۵۲۵ - ۵۲۶ - ۵۲۷ - ۵۲۸ - ۵۲۹ - ۵۳۰ - ۵۳۱ - ۵۳۲ - ۵۳۳ - ۵۳۴ - ۵۳۵ - ۵۳۶ - ۵۳۷ - ۵۳۸ - ۵۳۹ - ۵۴۰ - ۵۴۱ - ۵۴۲ - ۵۴۳ - ۵۴۴ - ۵۴۵ - ۵۴۶ - ۵۴۷ - ۵۴۸ - ۵۴۹ - ۵۵۰ - ۵۵۱ - ۵۵۲ - ۵۵۳ - ۵۵۴ - ۵۵۵ - ۵۵۶ - ۵۵۷ - ۵۵۸ - ۵۵۹ - ۵۶۰ - ۵۶۱ - ۵۶۲ - ۵۶۳ - ۵۶۴ - ۵۶۵ - ۵۶۶ - ۵۶۷ - ۵۶۸ - ۵۶۹ - ۵۷۰ - ۵۷۱ - ۵۷۲ - ۵۷۳ - ۵۷۴ - ۵۷۵ - ۵۷۶ - ۵۷۷ - ۵۷۸ - ۵۷۹ - ۵۸۰ - ۵۸۱ - ۵۸۲ - ۵۸۳ - ۵۸۴ - ۵۸۵ - ۵۸۶ - ۵۸۷ - ۵۸۸ - ۵۸۹ - ۵۹۰ - ۵۹۱ - ۵۹۲ - ۵۹۳ - ۵۹۴ - ۵۹۵ - ۵۹۶ - ۵۹۷ - ۵۹۸ - ۵۹۹ - ۶۰۰ - ۶۰۱ - ۶۰۲ - ۶۰۳ - ۶۰۴ - ۶۰۵ - ۶۰۶ - ۶۰۷ - ۶۰۸ - ۶۰۹ - ۶۱۰ - ۶۱۱ - ۶۱۲ - ۶۱۳ - ۶۱۴ - ۶۱۵ - ۶۱۶ - ۶۱۷ - ۶۱۸ - ۶۱۹ - ۶۲۰ - ۶۲۱ - ۶۲۲ - ۶۲۳ - ۶۲۴ - ۶۲۵ - ۶۲۶ - ۶۲۷ - ۶۲۸ - ۶۲۹ - ۶۳۰ - ۶۳۱ - ۶۳۲ - ۶۳۳ - ۶۳۴ - ۶۳۵ - ۶۳۶ - ۶۳۷ - ۶۳۸ - ۶۳۹ - ۶۴۰ - ۶۴۱ - ۶۴۲ - ۶۴۳ - ۶۴۴ - ۶۴۵ - ۶۴۶ - ۶۴۷ - ۶۴۸ - ۶۴۹ - ۶۵۰ - ۶۵۱ - ۶۵۲ - ۶۵۳ - ۶۵۴ - ۶۵۵ - ۶۵۶ - ۶۵۷ - ۶۵۸ - ۶۵۹ - ۶۶۰ - ۶۶۱ - ۶۶۲ - ۶۶۳ - ۶۶۴ - ۶۶۵ - ۶۶۶ - ۶۶۷ - ۶۶۸ - ۶۶۹ - ۶۷۰ - ۶۷۱ - ۶۷۲ - ۶۷۳ - ۶۷۴ - ۶۷۵ - ۶۷۶ - ۶۷۷ - ۶۷۸ - ۶۷۹ - ۶۸۰ - ۶۸۱ - ۶۸۲ - ۶۸۳ - ۶۸۴ - ۶۸۵ - ۶۸۶ - ۶۸۷ - ۶۸۸ - ۶۸۹ - ۶۹۰ - ۶۹۱ - ۶۹۲ - ۶۹۳ - ۶۹۴ - ۶۹۵ - ۶۹۶ - ۶۹۷ - ۶۹۸ - ۶۹۹ - ۷۰۰ - ۷۰۱ - ۷۰۲ - ۷۰۳ - ۷۰۴ - ۷۰۵ - ۷۰۶ - ۷۰۷ - ۷۰۸ - ۷۰۹ - ۷۱۰ - ۷۱۱ - ۷۱۲ - ۷۱۳ - ۷۱۴ - ۷۱۵ - ۷۱۶ - ۷۱۷ - ۷۱۸ - ۷۱۹ - ۷۲۰ - ۷۲۱ - ۷۲۲ - ۷۲۳ - ۷۲۴ - ۷۲۵ - ۷۲۶ - ۷۲۷ - ۷۲۸ - ۷۲۹ - ۷۳۰ - ۷۳۱ - ۷۳۲ - ۷۳۳ - ۷۳۴ - ۷۳۵ - ۷۳۶ - ۷۳۷ - ۷۳۸ - ۷۳۹ - ۷۴۰ - ۷۴۱ - ۷۴۲ - ۷۴۳ - ۷۴۴ - ۷۴۵ - ۷۴۶ - ۷۴۷ - ۷۴۸ - ۷۴۹ - ۷۵۰ - ۷۵۱ - ۷۵۲ - ۷۵۳ - ۷۵۴ - ۷۵۵ - ۷۵۶ - ۷۵۷ - ۷۵۸ - ۷۵۹ - ۷۶۰ - ۷۶۱ - ۷۶۲ - ۷۶۳ - ۷۶۴ - ۷۶۵ - ۷۶۶ - ۷۶۷ - ۷۶۸ - ۷۶۹ - ۷۷۰ - ۷۷۱ - ۷۷۲ - ۷۷۳ - ۷۷۴ - ۷۷۵ - ۷۷۶ - ۷۷۷ - ۷۷۸ - ۷۷۹ - ۷۸۰ - ۷۸۱ - ۷۸۲ - ۷۸۳ - ۷۸۴ - ۷۸۵ - ۷۸۶ - ۷۸۷ - ۷۸۸ - ۷۸۹ - ۷۹۰ - ۷۹۱ - ۷۹۲ - ۷۹۳ - ۷۹۴ - ۷۹۵ - ۷۹۶ - ۷۹۷ - ۷۹۸ - ۷۹۹ - ۸۰۰ - ۸۰۱ - ۸۰۲ - ۸۰۳ - ۸۰۴ - ۸۰۵ - ۸۰۶ - ۸۰۷ - ۸۰۸ - ۸۰۹ - ۸۱۰ - ۸۱۱ - ۸۱۲ - ۸۱۳ - ۸۱۴ - ۸۱۵ - ۸۱۶ - ۸۱۷ - ۸۱۸ - ۸۱۹ - ۸۲۰ - ۸۲۱ - ۸۲۲ - ۸۲۳ - ۸۲۴ - ۸۲۵ - ۸۲۶ - ۸۲۷ - ۸۲۸ - ۸۲۹ - ۸۳۰ - ۸۳۱ - ۸۳۲ - ۸۳۳ - ۸۳۴ - ۸۳۵ - ۸۳۶ - ۸۳۷ - ۸۳۸ - ۸۳۹ - ۸۴۰ - ۸۴۱ - ۸۴۲ - ۸۴۳ - ۸۴۴ - ۸۴۵ - ۸۴۶ - ۸۴۷ - ۸۴۸ - ۸۴۹ - ۸۵۰ - ۸۵۱ - ۸۵۲ - ۸۵۳ - ۸۵۴ - ۸۵۵ - ۸۵۶ - ۸۵۷ - ۸۵۸ - ۸۵۹ - ۸۶۰ - ۸۶۱ - ۸۶۲ - ۸۶۳ - ۸۶۴ - ۸۶۵ - ۸۶۶ - ۸۶۷ - ۸۶۸ - ۸۶۹ - ۸۷۰ - ۸۷۱ - ۸۷۲ - ۸۷۳ - ۸۷۴ - ۸۷۵ - ۸۷۶ - ۸۷۷ - ۸۷۸ - ۸۷۹ - ۸۸۰ - ۸۸۱ - ۸۸۲ - ۸۸۳ - ۸۸۴ - ۸۸۵ - ۸۸۶ - ۸۸۷ - ۸۸۸ - ۸۸۹ - ۸۹۰ - ۸۹۱ - ۸۹۲ - ۸۹۳ - ۸۹۴ - ۸۹۵ - ۸۹۶ - ۸۹۷ - ۸۹۸ - ۸۹۹ - ۹۰۰ - ۹۰۱ - ۹۰۲ - ۹۰۳ - ۹۰۴ - ۹۰۵ - ۹۰۶ - ۹۰۷ - ۹۰۸ - ۹۰۹ - ۹۱۰ - ۹۱۱ - ۹۱۲ - ۹۱۳ - ۹۱۴ - ۹۱۵ - ۹۱۶ - ۹۱۷ - ۹۱۸ - ۹۱۹ - ۹۲۰ - ۹۲۱ - ۹۲۲ - ۹۲۳ - ۹۲۴ - ۹۲۵ - ۹۲۶ - ۹۲۷ - ۹۲۸ - ۹۲۹ - ۹۳۰ - ۹۳۱ - ۹۳۲ - ۹۳۳ - ۹۳۴ - ۹۳۵ - ۹۳۶ - ۹۳۷ - ۹۳۸ - ۹۳۹ - ۹۴۰ - ۹۴۱ - ۹۴۲ - ۹۴۳ - ۹۴۴ - ۹۴۵ - ۹۴۶ - ۹۴۷ - ۹۴۸ - ۹۴۹ - ۹۵۰ - ۹۵۱ - ۹۵۲ - ۹۵۳ - ۹۵۴ - ۹۵۵ - ۹۵۶ - ۹۵۷ - ۹۵۸ - ۹۵۹ - ۹۶۰ - ۹۶۱ - ۹۶۲ - ۹۶۳ - ۹۶۴ - ۹۶۵ - ۹۶۶ - ۹۶۷ - ۹۶۸ - ۹۶۹ - ۹۷۰ - ۹۷۱ - ۹۷۲ - ۹۷۳ - ۹۷۴ - ۹۷۵ - ۹۷۶ - ۹۷۷ - ۹۷۸ - ۹۷۹ - ۹۸۰ - ۹۸۱ - ۹۸۲ - ۹۸۳ - ۹۸۴ - ۹۸۵ - ۹۸۶ - ۹۸۷ - ۹۸۸ - ۹۸۹ - ۹۹۰ - ۹۹۱ - ۹۹۲ - ۹۹۳ - ۹۹۴ - ۹۹۵ - ۹۹۶ - ۹۹۷ - ۹۹۸ - ۹۹۹ - ۱۰۰۰

سند شماره ۲

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف آذربایجان، نمره ۸۱۵، به تاریخ ۱۵ شهر ربیع الثانی ۱۳۳۶، مطابق ۹ برج دلو ۱۳۹۶ (۱۱۱۲۹۶)

آقای رئیس معارف و اوقاف ارومیه، مراسله نمره ۹۵ دایر به انتشار جریده فروردین واصل و چون طبع جریده مزبوره مدتی است تعطیل شده بود و نظر به حکم عمومی وزارت جلیله معارف دامت شوکته فعلاً اجازه سابق از درجه اعتبار ساقط است. لهذا لازم است غدغن نمایید مجدداً تقاضانامه ارسال نمایند تا اینکه اجازه ثانوی از مرکز تقاضا شود. بدیهی است تا صدور اجازه حق طبع و نشر نخواهد داشت. [امضا ناخوانا]

۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ - ۸ - ۹ - ۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ - ۱۵ - ۱۶ - ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۱ - ۲۲ - ۲۳ - ۲۴ - ۲۵ - ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - ۲۹ - ۳۰ - ۳۱ - ۳۲ - ۳۳ - ۳۴ - ۳۵ - ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۳۹ - ۴۰ - ۴۱ - ۴۲ - ۴۳ - ۴۴ - ۴۵ - ۴۶ - ۴۷ - ۴۸ - ۴۹ - ۵۰ - ۵۱ - ۵۲ - ۵۳ - ۵۴ - ۵۵ - ۵۶ - ۵۷ - ۵۸ - ۵۹ - ۶۰ - ۶۱ - ۶۲ - ۶۳ - ۶۴ - ۶۵ - ۶۶ - ۶۷ - ۶۸ - ۶۹ - ۷۰ - ۷۱ - ۷۲ - ۷۳ - ۷۴ - ۷۵ - ۷۶ - ۷۷ - ۷۸ - ۷۹ - ۸۰ - ۸۱ - ۸۲ - ۸۳ - ۸۴ - ۸۵ - ۸۶ - ۸۷ - ۸۸ - ۸۹ - ۹۰ - ۹۱ - ۹۲ - ۹۳ - ۹۴ - ۹۵ - ۹۶ - ۹۷ - ۹۸ - ۹۹ - ۱۰۰

سند شماره ۳

اداره معارف ارومیه، نمره ۱۰۵۰، کارتن ۱، دوسیه ۴، به تاریخ ۲۶ شهر ربیع الثانی ۱۳۳۶، مطابق ۹ برج دلو ۱۳۹۶ (۱۱۱۲۹۶)

مقام منبع حکومت جلیله دامت شوکته، ریاست جلیله کل معارف ایالتی آذربایجان در مراسله نمره ۸۱۵ به اداره معارف و اوقاف ارومیه مقرر فرموده^(۱) که چون طبع و نشر جریده فروردین مدتی است تعطیل شده بود، نظر به حکم عمومی وزارت جلیله معارف و اوقاف دامت شوکته اجازه سابقه از درجه اعتبار ساقط است و تا صدور اجازه نامه ثانوی حق طبع و نشر نخواهد داشت. لهذا امر ریاست کل معارف ایالتی را به آقای میرزا یوسف کاظم زاده تبریزی که سردبیری جریده مزبوره را عهده دار شده بود، در روز ۲۴ شهر جاری ابلاغ و غدغن^(۲) گردید که مطابق حکم عمومی وزارت جلیله رفتار نماید. مجدداً در تاریخ معروض جریده را به طبع رسانیده و در [روز] بیست و پنجم^(۳) توزیع شده [است].

مستدعی است که از طرف حکومت جلیله امر به توقیف روزنامه معروضه شده، که به خلاف اوامر مرکز رفتاری ننمایند. امر امر مبارک مطاع است. [امضا] حسین.

۱ - ۳۰۴۵۰۳
۲ - اصل می‌نویسد
۳ - اصل : قدغن
۴ - اصل : ۲۵

سند شماره ۴

اداره معارف ارومیه، نمره ۱۰۵۲، کارتن ۱، دوسیه ۴، به تاریخ غره جمادی الاولی ۱۳۳۶، مطابق ۲۴ برج دلو ۱۲۹۶، ضمیمه سواد لایحه حکومت ملی^(۱)

مقام منبع ریاس جلیله کل معارف ایالت آذربایجان دامت شوکته، در باب طبع و نشر جریده فروردین که در مراسله محترمه نمره ۸۱۵ مقرر فرموده بودید که به خلاف حکم عمومی وزارت جلیله اقدام نموده‌اند و تا صدور اجازه‌نامه ثانوی حق آن را نخواهند داشت. حسب الامر مبارک به اداره جریده مزبوره ابلاغ و غدغن گردید که برحسب مدلول دستخط مبارک رفتار نمایند. ولیکن سردبیر جریده مجدداً شروع به طبع و توزیع آن کرده، چاکر از حکومت جلیله محلی تقاضای توقیف آن را خواستار و ضمناً خاطر نشان نموده که به خلاف اوامر مرکز رفتار می‌شود.

در جواب اظهار می‌فرمایند که به تیریز نوشته شده هر جوابی برسد از همان قرار معمول خواهیم کرد. امر امر مبارک مطاع است [امضا] حسین

۱ - ۳۰۴۵۰۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کیوان

سند شماره ۱

وزارت فرهنگ، اداره فرهنگ استان ۴، تجدید امتیاز، رونوشت امتیازنامه شماره ۱۲۰۴۱/۴۹۷۱۱-۱۹/۱۲/۲۵ (۱)

اداره کل نگارش، دایره مطبوعات، چون آقای ربیع انصاری فرزند علی محمد دارای شناسنامه شماره ۵۵۹۰ صادره از کرمانشاهان، درخواست امتیاز روزنامه یومیه به نام «کیوان» نموده است که در شهر رضائیه به قطع کنونی روزنامه اطلاعات منتشر نماید. وزارت فرهنگ برطبق فصل سوم قانون مطبوعات مشارالیه را مجاز در چاپ و نشر روزنامه می‌داند که برطبق تعهدنامه مورخ ۲۰/۲/۲۵ [۱۳] رفتار نماید.

۱- در موقع چاپ و نشر روزنامه مذکور دارنده امتیاز مکلف است که همه مواد قانون مطبوعات و مقررات تصویب نامه شماره ۱۹۴۲-۱۳۱۷/۲/۱۲ هیأت وزیران و آئین‌نامه روزنامه‌ها و مجله‌ها مصوب شورای عالی فرهنگ را رعایت نماید. [...] رئیس اداره کل نگارش دکتر فرهمندی، امضا. وزارت فرهنگ، اسماعیل برات، امضا. رونوشت برابر اصل و اصل پس الصاق تمبر ۶۰ ریالی به آقای انصاری تحویل شد.

۱-۴-۱۸/۴۱۹۶ت

سند شماره ۲

وزارت فرهنگ، اداره فرهنگ استان ۴، رونوشت پیمان‌نامه مورخه ۲۰/۲/۲۵، آقای انصاری (۲)

این‌جانب در اداره کل نگارش وزارت فرهنگ ملتزم و متعهد می‌شوم که در تمام مدت انتشار روزنامه خود که مشخصات آن به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- نام و نشان مدیر روزنامه: ربیع انصاری [...].
- ۲- محل اداره: رضائیه خیابان فردوسی.
- ۳- نام و نشان چاپخانه که روزنامه در آن به چاپ خواهد رسید: شرکت سهامی چاپ رضائیه.
- ۴- عنوان روزنامه و ترتیب انتشار آن: کیوان. فعلاً هفته [ای] یک بار منتشر می‌شود و پس از تکمیل وسایل چاپ تدریجاً بر عده شماره‌های آن افزوده خواهد شد.
- ۵- عده چاپ هر شماره: ششصد شماره.
- ۶- مسلک روزنامه و نوع مندرجات آن: ترویج روح شاه‌پرستی و میهن‌دوستی و نشر مقاله‌های علمی و ادبی و اخلاقی و بهداشتی می‌باشد.

[...].

محل امضای آقای انصاری. رونوشت برابر اصل است و اصل به اداره کل نگارش فرستاده شد. [امضا] امین‌زاده

۲-۴-۱۸/۴۱۹۶ت

سند شماره ۳

وزارت کشور، استانداری استان چهارم، شماره ۶۱۰، تاریخ ۱۳۲۰/۱/۲۳^(۱)

اداره فرهنگ استان ۴، رونوشت نامه شماره ۴۹/۹۰۱۵ - ۱۳۲۰/۱/۱۰ اداره کل انتشارات و تبلیغات متضمن رونوشت بخشنامه جناب آقای نخست‌وزیر راجع به چاپ آگهی‌های دولتی در روزنامه محلی در پیوست فرستاده می‌شود که برابر دستور آگهی‌های دولتی را در روزنامه کیوان رضائیه چاپ و منتشر فرمایید. از طرف استاندار چهارم [امضا ناخوانا]

[حاشیه] ۱۵۱۱ - ۲۰/۱/۲۴

۶۱۴۱۸-۱۱-۱

سند شماره ۴

رضائیه، روزنامه کیوان، شماره ۲۹۹، تاریخ ۲۵ فروردین ۱۳۲۰، پیوست ۶ برگ^(۱)

اداره محترم فرهنگ استان چهارم، محترماً تصدیق می‌دهد، رونوشت نامه شماره ۲۹۷ این روزنامه را که به عنوان شرکت سهامی چاپ رضائیه نوشته شده محض اطلاع خاطر محترم در پیوست ارسال و موقع را برای تقدیم احترامات فائقه مغتنم می‌شمارد. مدیر روزنامه کیوان [امضا] ر. انصاری.

[حاشیه ۱ شماره ورود به اداره فرهنگ] ۱۷۱۷ - ۱۳۲۰/۱/۲۷

[حاشیه ۲] بازرسی. بایگانی شود ۱۳۲۰/۱/۲۷

۶۱۴۱۸-۴-۱

سند شماره ۵

رضائیه، روزنامه کیوان، شماره ۲۹۷، تاریخ ۲۵ فروردین ۱۳۲۰، رونوشت^(۱)

شرکت محترم سهامی چاپ رضائیه، آقایان محترم، پیرو نامه شماره ۲۶۶ - ۲۰/۱/۱۳ و نامه ۲۷۳ - ۲۰/۱/۱۴، لزوماً اشعار می‌دارد: این روزنامه از اولین روز انتشار خود مرتباً از شرکت خواستار بوده پیمان‌نامه [ی] مابین روزنامه و شرکت بسته شود و متأسفانه تاکنون اقدامی در این خصوص به عمل نیامده [است]. یکی دو مرتبه هم که بر اثر اصرار روزنامه جلساتی تشکیل دادند، به قدری در تصمیمات خود تردید نشان دادند و در تعیین بها و اجرت چاپ روزنامه به اندازه [ی] طریق اغراق و مبالغه پیمودند که تقریباً برای هر شماره

روزنامه، مطابق حساب آقایان، در حدود هفتاد - هشتاد^(۶) تومان! نرخ تعیین نمودند. در هر حالت این مسامحه کاریها برای عقد یک پیمان قطعی از یک طرف و اشکالات بی نهایت دیگری، که چند قطره از آنها را در زیر یادداشت می نمایم، از طرف دیگر نشان می دهد که کارکنان آن چاپخانه در عدم انتشار این روزنامه تعمد ورزیده و هیچ منظوری ندارند جز آنکه با تمام قوا سعی می کنند بنده را مایوس و دلسرد ساخته و بالاخره روزنامه را دچار تعطیل نمایند. اشکالات نامبرده از این قرار است:

[صفحه ۲] ۱- با آنکه اصولاً تشکیل این شرکت از روز نخست فقط روی این منظور بوده که روزنامه در این شهر دایر^(۴) گردد و سایر کارهای چاپخانه در درجه دوم اهمیت قرار می گرفته، متأسفانه به چیزی که تاکنون توجه نشده موضوع روزنامه بوده است. خاصه آن که از طرف تیمسار معظم فرمانده لشکر ۴ نیز، هم به وسیله جناب آقای رئیس محترم شهربانی و هم خود معظم اله در جشن ۲۴/اسفند درجه علاقه مندی خودشان را به امر روزنامه اظهار فرمودند و باز سهیل انگاری عجیبی از طرف کارکنان چاپخانه بالنسبه به امور روزنامه بعمل آمده و می آید.

۲- پس از آنکه [اداره] روزنامه به واسطه نامه ها و تلگرافات متوالیه که از وزارت فرهنگ و کمیسیون مطبوعات، پرورش افکار و اداره کل انتشارات و تبلیغات رسید، مجبور گردید دست به کار انتشار آن بزند، از همان روزهای نخست [اداره] روزنامه لزوم استخدام چند نفر حرفه چین را متذکر گردید و متأسفانه اقدام لازم در این خصوص به عمل نیامد و پس از آنکه از طرف این روزنامه فشاری وارد می شد (و البته آن فشار هم جز تمنا و تقاضا چیز دیگری نبوده) با کمال خونسردی و بی علاقه گی بزرگترین مساعدتی که با ما می شد این بود: تلگرافی که متن آن به توسط خود ما تهیه می شد و به خرج [صفحه ۳] خود ما نیز مخابره می گردید، از سر لطف^(۴) زیر آن را امضا می نمودند و مستقیماً از طرف خود شرکت اقدام مؤثری که منتج به نتیجه بشود به هیچ وجه به عمل نیامد.

۳- بدیهی است یک روزنامه به قطع کنونی کیوان باید به قدر کافی وسایل و حروف و لوازم مربوط چاپی در دسترس داشته باشد تا بتواند مرتباً در روزهایی که باید انتشار یابد برای چاپ حاضر شود. ولی متأسفانه وسایلی که برای چاپ روزنامه کیوان فراهم شده علاوه بر آن که تماماً ناقص است، اصولاً طرز تسلیم آنها به صدقه دادن بیشتر شباهت داشته و دارد؛ و اقداماتی هم که اخیراً شده یعنی اطاق روزنامه را جدا نموده اند و مقداری حروف و بعضی اشیاء کهنه و پوسیده که متعلق به چاپخانه سابق تمدن بوده، که حتی به درد دور ریختن در صندوقهای شهرداری هم نمی خورد، حالا در اختیار روزنامه گذاشته شده، به واسطه جدیت و پافشاری فوق العاده بوده است که از طرف ما به عمل آمده؛ والا از طرف شرکت به خودی خود هرگز مبادرت به یک چنین احسانی نمی شد.

۴- حرفه چین های فعلی روزنامه سه نفر بچه هستند^(۵) که یک ماه و کسری است پا به چاپخانه گذاشته و برای اولین دفعه در عمر خود ماشین چاپ دیده و رنگ حروف چاپخانه را تماشا کرده اند [صفحه ۴] اینها هم اخیراً که آگهی های ثبتی در دست چاپ است سه نفر شده اند والا در حقیقت دو نفر بیشتر نبوده اند که هم باید روزنامه چیده و هم حروف پخش کنند و فقط آقای احمد سلیمی^(۶) به عنوان سر حرفه چین مشغول تصحیح و فرم بندی^(۷) و ناظر کارهای آن دو نفر بوده است و ده دوازده نفر عمده جات^(۸) و حرفه چین های دیگر چاپخانه خدا می داند که به چه کاری مشغول هستند که به قول آقای مدیر چاپخانه هنوز کارهای اسفند ماه زمین است و اقدامی برای چاپ آنها نشده [است].

۵- علی اکبر خان نامی که فعلاً در چاپخانه است و از تهریز استخدام شده، بر اثر تلگرافات بنده مخصوصاً برای کار روزنامه خواسته شده بود و با آنکه دو روز پس از ورودش برای آنکه به کار دلگرم باشد از طرف اداره روزنامه هم به رسم علی الحساب ۱۵۰ ریال به او داده شد تا بعد که تکلیف روزنامه و شرکت معلوم شود به هیچ وجه نغمه میدیم چرا دو سه روز پس از ورودش او را از شعبه روزنامه به سالن^(۹) عمومی بردند و با آن که از طرف بنده تقریباً اعتراض شد و او را باز به قسمت حرفه چینی روزنامه بردم، در این موقع که روزنامه برای چاپ آگهی های ثبتی در کمال مضیقه و فشار است و واقعاً از توی خیابانها و کوچه ها هم اگر شده باید کمکهایی برای [صفحه ۵] خود پیدا کند، باز مشاهده می شود که او را از قسمت روزنامه به سالن برده و ما را تنها گذاشته اند.

آیا این عمل معرف نیات ناپسند و سوئی نیست که درباره روزنامه نشان داده می شود و با تمام قوا کوشش می شود که ما نتوانیم از عهده تعهدات ثبتی خود برآمده تا بالنتیجه هم دچار خسارات فوق العاده مالی شده و هم حیثیت ما لکه دار گردد؟

روی این اصل با آنکه هنوز پیمانی مابین روزنامه و شرکت بسته نشده اگر تا تاریخ ۳۱ فروردین که باید آگهی های ثبتی انتشار یابد تأخیری در انتشار آنها حاصل شد و مسئولیتی از این جهت متوجه ما گردید، روزنامه این حق را برای خود تأمین می نماید که با دلایل کافی که در دست دارد شرکت را مسئول حقیقی داشته و در مراکز صالحه استیفاء حقوق خود را بنماید.

در هر صورت دلایل زیاد دیگری هم از کارشکنی های عمدی که تاکنون در امر انتشار روزنامه شده در دست است که تمام آنها یادداشت شده و به موقع خود در صورت لزوم اظهار خواهد شد. فعلاً چون تا تاریخ ۳۱ فروردین شش روز وقت باقی است برای سلب هرگونه

مسئولیتی از خود مبادرت به نگارش این نامه نمودیم که برای چاپ آگهی‌های ثبتی هر اقدام فوری [صفحه ۶] و آنی که لازم است به عمل آورند و ضمناً برای این که این نامه هم مثل سایر نامه‌های این روزنامه دستخوش بی‌اعتنایی و سهل‌انگاری نشود رونوشت جهت ادارات محترم استانداری، فرهنگ، شهربانی فرستاده می‌شود. با احترامات فائمه [امضا] ر. انصاری

[حاشیه] رونوشت برابر اصل است. [امضا] ر. انصاری.

- ۱ - ۴ - ۸ / ۱۹ / ۴۸ ت
- ۲ - اصل : هتاد و هتاد
- ۳ - اصل : دلیر
- ۴ - اصل : لطفاً
- ۵ - اصل : است
- ۶ - اصل : احمد ملیبی نیز
- ۷ - اصل : فرخ بندی
- ۸ - اصل : صلیجات
- ۹ - اصل : همه جا: سالون

سند شماره ۶

شرکت سهامی چاپ رضائیه، با سرمایه ۲۵۰۰۰۰۰ ریال، شماره ۲۳ تاریخ ۲۵/۱/۲۰ (۱)

آقای مدیر محترم روزنامه کیوان، در پاسخ نامه شماره ۲۹۷ زحمت اشعار می‌دارد با وجود اینکه خود این جانب و هیأت مدیره در حدود یک ماه و نیم است در موضوع روزنامه صرف اوقات می‌نمایم و به هیچ کدام قانع نشده فقط با رقع و نامه وقت را تلف می‌فرمایید اینک به طور خلاصه مبادرت به عرض می‌نمایم:

- ۱ - سرکار قبل از بکار افتادن ماشینها و رفع نواقص (حالا هم کاملاً مرتفع نشده) اقدام به انتشار روزنامه فرمودید.
- ۲ - بایستی قبل^(۲) از تصدی بنده این نواقص را مرتفع لاقفل حروفچین تهیه می‌فرمودید نه در این موقع.
- ۳ - در موقع انتشار روزنامه در حضور هیأت مدیره هرچه دلایل و توضیحات لازمه داده شد که با این نواقص اساسی، حتی ماشین روزنامه کار نمی‌کرد، طبع روزنامه و اداره شدن خود چاپخانه از محالات است در جواب فرمودید با فورس ماژور بایست طبع شود ما هم بلا اراده مطبع شدیم.
- ۴ - در حین عمل خود حضرت عالی ملاحظه فرمودید که با این حروفچین‌ها، هم روزنامه و هم کار چاپخانه لنگ خواهد شد. خود حضرت عالی عهده‌دار شدید که حروفچین برای روزنامه وارد کنید ما هم قبول نمودیم حتی مخارج تلگراف تهران را خود شرکت پرداخت نمود. مع‌الاسف جواب آن را که می‌بایستی به دفتر شرکت داده شود نداده، فقط شفاهاً فرمودید که حروفچین از تهران نشد و میزان حقوق حروفچین که مورد بحث هیأت بود به ما ندادید.
- ۵ - بنده با مکاتبه و تقاضای خصوصی در این قسمت اقدام نموده که وعده اعزام حروفچین را داده‌اند.
- ۶ - میرزا علی اکبرخان را شرکت برای خود خواسته نه برای روزنامه و [به] علاوه اطلاعات ایشان در فرم‌بندی است نه در حروفچینی.
- ۷ - بطوری که در شب جشن بندگان حضرت اجل، فرمانده معظم لشکر فرمودند «بایستی خود آقای انصاری به تبریز رفته فوراً دو سه نفر همراه خود حروفچین بیاورد» و خود بنده در این خصوص تأکید و تقاضا نمودم، در جواب فرمودید «به آقای حیدری مدیر دانشسرا سپرده‌ام که چند نفری همراه خود بیاورند».
- ۸ - از اظهاراتی که: «حروف کافی نداریم، اسباب آلات کهنه به اطاق روزنامه داده که به درد هیچ چیزی نمی‌خورد، از خیابان به آدم

احتیاج داریم» و غیره من البدو الی الختم بی اندازه مضحک بوده در واقع در حیرتم که با این مساعدتها و جدیتها و جان فشانیها که جهت پیشرفت امور روزنامه شده، فقط یک اطاق علی حدّه با یک تشکیلات فنی و علمی دایر نموده که از هر حیث مجزا بشود ...، باز اعتراض و حتی تهدید و استرداد خسارت را مطالبه خواهید فرمود.

باللعجب^(۴)! نه قرارداد می بندید، نه پول می دهید و هزار نوع دستور و نامه می نویسید ولی در پرداخت طلب چاپخانه تعلل می فرمایید (با وجود این فشار مالی که دارد). راستی در حیرتم که از چاپخانه و شرکت چه می خواهید؟

اگر حروفچین است که خودتان تعهد نموده اید که به حساب خود روزنامه وارد کنید و اگر تاکنون مسامحه و یا پیدا نشده و یا حوصله ورود آنها را ندارید ما چه کنیم و چه تقصیری داریم؟ اگر ما حروفچین داریم و به شما نمی دهیم باز حق داشتید. در صورتی که همه آنها نوآموز و تازه کارند که به آنها تعلیم و یاد می دهیم و آنها بی که خوب و کارآزموده بودند، با یک نفر سابقه دار و استاد که بود، به روزنامه واگذار نموده ایم. فقط با یک نفر که یکسال است در چاپخانه کار نموده این همه کارهای دوایر را رسماً اداره می نماییم.

با این شرح و وصف معلوم می شود ما هر چه جدیت در پیشرفت و به راه افتادن چاپخانه و زحمات و علاقه مندی به روزنامه داشته ایم، شما آنها را فراموش و بلکه معکوساً قلمداد فرموده اید. افسرده دلی و دلسردی ما را به کار افزونتر می سازید!

پس خواهشمندم علناً مقصود خود را توضیح دهید، اگر ما از همین کارهای معمولی خود هم که انجام می دهیم صرف نظر نماییم تعطیلی ما^(۴) هم برای روزنامه نتیجه ای ندارد. گیرم که ما اساساً تعطیل و هیچ کاری هم^(۵) نکردیم چه تأثیرات خوبی به روزنامه حاصل خواهد شد.

۹- به هفت و هشت نفر مستخدم اشاره فرموده بودید. آنها ماشین چی، دربان، حسابدار، انباردار و مکانیک برق می باشند^(۶) نه حروفچین و یا اگر می خواهید فقط میرزا علی اکبر خان را که جهت تمامی امور چاپی دوایر لشکری و کشوری و رجوعات اهالی وارد نموده ایم، به سرکار واگذار نماییم که امور شرکت فلج گردد، باز در این امر هم تسلیم صرف هستیم. آن شما و [این] ایشان. ولی حضرت عالی به^(۷) ایشان جواب قطعی و مثبتی نمی دهید و ایشان هم فقط به حرف شفاهی قانع نمی شود باز ما چه کنیم؟

لازم است در این قبیل موارد به دادگستری مراجعه نمود. مسلم است که ما نمی توانیم اشخاص را بدون سند و غیره ملزم به خدمت و توقف نماییم. در ایران ما فقط و فقط یک شرکت چاپ پیدا می شود که بدون حقوق و اجرت و قرارداد و تکلیف به طبع اوراق و امور چاپی یک بنگاه را اجرا و اقدام کند لا غیر.

برای این که این نامه هم مثل سایر نامه های این شرکت دستخوش بی اعتنائی و سهل انگاری نشود، رونوشت جهت ادارات محترم استانداری، فرهنگ و شهربانی فرستاده می شود. مدیر عامل شرکت چاپ تمدن.

[حاشیه] برای این که ثابت بشود که شرکت چاپ، سرکار را بالاتر و مافوق تر از سایر مشتریان خود محسوب می دارد و در قبول همه گونه پیشنهاد سرکار کاملاً حاضر است، خواهشمندم در یکی از دوایر محترم فرهنگ و شهربانی حاضر شده معین فرموده تا عمل پیمان نامه بین شرکت و روزنامه عملی گردد. رونوشت به اداره محترم فرهنگ استان چهارم ارسال می شود. [امضا] تمدن.

رتال جامع علوم انسانی

۱ - ۴ - ۱۸/۴/۶۷

۲ - اصل: قضی

۳ - اصل: یا المصوب

۴ - اصل: ... اگر ما خود بخود که کار می کنیم از او هم صرف نظر نماییم اگر همین است از آن تعطیل ما ...

۵ - اصل: هیچ هم کار

۶ - اصل: می باشد

۷ - اصل: یا

سند شماره ۷

رضائیه، روزنامه کیوان، تاریخ ۱۸ تیر ۱۳۲۰، شماره ۵۰۷، پیوست یک برگ (۱)

ریاست محترم اداره فرهنگ استان چهارم، محترماً زحمت می‌دهد: مقدماتاً وظایف اولیه خود می‌دانم سپاسهای فراوان خود را در برابر کمکهای معنوی آن اداره محترم که در راه پیشرفت روزنامه کیوان مبذول شده و پیوسته در ترویج آن از مساعدت و همراهی با ما دریغ نشده تقدیم دارم ضمناً به طوری که شفاهاً نیز گزارش داده‌ام روزنامه مراحل سخت و مشکلی را که در بدو تأسیس خود از لحاظ فراهم نبودن وسایل کار و فقدان حروفچین و اشکالات دیگر با آنها روبرو شده بود با پشتکار و فعالیت که ابراز داشت بر آنها فائق آمد و چنان که فعلاً ملاحظه می‌فرمایید هر پنج روز یک مرتبه مرتباً روزنامه منتشر می‌شود ولی بدیهی است یک روزنامه که امتیاز آن یومیه است نمی‌تواند خود را قانع کند هفته [ای] یک مرتبه و یا پنج روز یک مرتبه انتشار یابد.

از طرف دیگر افزایش تعداد شماره‌های آن در هفته به دو یا سه شماره با اشکالات دیگری مواجه می‌شود که در زیر آنها را توضیح داده و هرگاه جداً کمکهایی با ما نشود ممکن نیست بتوانیم به تأمین منظور خود توفیق حاصل کنیم.

۱- فقدان هیأت تحریریه است که با نهایت تأسف در این شهر هنوز از اهل دانش و ذوق کسی حاضر نشده است با ما در این خدمت فرهنگی، همکاری و مساعدت نماید.

۲- چون روزنامه بایستی اخبار شهری مربوط به کلیه دوایر دولتی را مرتباً جهت اطلاع عمومی چاپ نماید، در این خصوص نیز دستوراتی از مرکز رسیده، متأسفانه بغیر از اداره محترم فرهنگ و ادارات شهرداری و بخشداری سایر ادارات [صفحه ۲] دولتی به طور کلی از دادن اخبار به روزنامه خودداری فرموده‌اند و با این ترتیب مجبوریم روزنامه را با مقالات گوناگون پر کنیم به طوری که تقریباً باید گفت روزنامه کیوان بیشتر صورت مجله به خود گرفته تا روزنامه.

۳- موضوع آگهی‌های دیواری دوایر محترم دولتی است که طبق امریه صریح اولیاء معظم دولت و من باب کمک به مطبوعات کشور بایستی نسخه [ای] از آن برای درج در روزنامه‌های محلی فرستاده شود.

ما نظر استفاده مادی از روزنامه نداشته و نداریم و فعلاً نیز با ماهی سه هزار و بانصد ریال هزینه ثابت جز زیان سودی نبرده‌ایم. ولی تحمل این وضعیت تا وقتی برای ما میسر است که بنیبه مالی ما از عهده آن برآید. بنابراین برای جلوگیری از اضمحلال و ورشکستگی (۲) ما، دادن این آگهی‌ها جهت درج در روزنامه، عامل مؤثری به شمار خواهد رفت.

با مراتب معروضه بالا تمنا دارد در صورتی که مقتضی بدانند کمیسیون مطبوعات پرورش افکار را دعوت فرموده و مراتب را مورد مذاکره قرار دهند تا با توجهات مخصوصه [ای] که آن اداره محترم در پیشرفت و ترقی مطبوعات دارند این روزنامه نیز وضعیت بهتر و آبرومندی پیدا کند. بانقدیم احترامات فائقه. [امضا] ر. انصاری.

اطلاع

سند شماره ۱

مقام محترم کفالت معظم معارف و اوقاف ایالتی غرب آذربایجان^(۱)

با کمال احترام تصدیق افزا می‌شود، چند سال قبل که این کمترین تقاضای صدور امتیاز روزنامه رضائیه و مجله نشاط^(۲) را از وزارت جلیله معارف نموده بودم، روزنامه رضائیه را امتیاز صادر [ولی] مجله، بلاجواب مانده بود؛ اینک اطلاع حاصل شد، مجله را بنام اطلاع یا اطلاعات، اجازه صادر شده [که] امتیاز صادر شود. ولیکن در مسلک آن تردید داشته‌اند و حال آنکه در همان وقت عرض شد مسلک روزنامه و مجله یکی است [و] از هم فرق نخواهد داشت. باز محض اینکه رفع تردید شود مجدداً بعرض می‌رساند: مسلک مجله با مسلک روزنامه رضائیه یکی خواهد بود [و] مسلک علی‌حدّه^(۳) ندارد. مسلک وطن پرستی، معارف پروری، تجددخواهی و خدمت به جامعه و تشویق مردم به علم و ادب و خدمت به شاهنشاه عظیم‌الشان خود می‌باشد؛ غیر از این مسلک [ی] ندارد و نخواهد داشت. مستدعی است سواد همین عریضه را به مرکز ارسال فرموده، در صدور امتیاز مجله اطلاع^(۴) تقاضای تسریع و جدیت فرمایید تا شهر رضائیه بی‌مطبوعات نماند. در خاتمه^(۵) احترامات خود را تجدید می‌نماید. [امضاء] امیرنظمی افشار. ورود به دفتر معارف رضائیه به تاریخ ۱۳۱۲/۲۶/۴۹۵۷.



سند شماره ۲

۱ - ۴۵ - ۶/۱۶/۱۳۱۲ ت.

۲ - نگاه کن به: رضائیه، سند شماره ۱.

۳ - اصل همه جا: علی‌حدّه.

۴ - اصل: اطلاعات.

۵ - اصل: خاتمه.

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف و اوقاف ایالت غربی آذربایجان، سواد امتیاز مجله اطلاع، [...]. شماره ۳۹ - ۱۳۱۲/۱۱/۱۸] دفتر تمبر ثبت شد، شماره ۲۱۵۸۵/۹۶۷۹، شماره کتاب ثبت امتیاز جراید و مجلات شماره ۸۹۸، تاریخ ۱۳۱۲/۸/۱۲^(۱) شیر و خورشید، وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره انطباعات.

چون آقای حاجی محمد حسنخان امیرنظمی افشار فرزند مرحوم حاج نظم‌السلطنه دارای ورقه هویت شماره ۷۸ برطبق تقاضانامه مورخ ۱۳۰۹/۷/۳۰ تقاضای امتیاز مجله موسوم به اطلاع نموده‌اند وزارت معارف بر طبق فصل سوم قانون مطبوعات مشارالیه را مجاز در طبع و نشر مجله مذکور می‌داند [مادام] که بر طبق التزامنامه مورخ ۱۲/۱۱/۸ رفتار نماید: ۱ - در موقع طبع و نشر مجله دارنده امتیاز مکلف است کاملاً مواد قانون مطبوعات را مراعات نماید ۲ - بدون تصویب وزارت معارف حق تفویض امتیاز خود را به دیگری نخواهد داشت ۳ - از تاریخ صدور این امتیاز الی مدت شش ماه در صورتی که صاحب امتیاز به واسطه مانعی موفق به انتشار روزنامه نشود باید به وزارت معارف رجوع نموده تجدید امتیاز نماید. [پشت سند]: ۴ - مسلک مجله مذکور وطن پرستی، معارف خواهی، تجددپروری [و] شاه دوستی خواهد بود و در شهر رضائیه طبع و نشر خواهد شد. ماده ۵ - در صورتی که مندرجات مجله ولو در یک شماره از حدود امتیاز تجاوز کند وزارت معارف حق دارد مجله مزبور را توقیف و امتیاز آن را الغاء نماید. وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه علی‌اصغر حکمت، مهر وزارت. رئیس معارف دکتر ولی‌اله نصر. اداره کل تعلیمات معارف. [حاشیه] سواد مطابق اصل است. [مهر] تفتیش معارف و اوقاف ایالتی غربی آذربایجان.

۱ - ۴۵ - ۶/۱۶/۱۳۱۲ ت.

سند شماره ۳

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف و اوقاف ایالت غربی آذربایجان، شعبه تفتیش، نمره ثبت دفتر ۷۹۱۳ کارتن ۳ دوسیه ۴، تاریخ مسوده ۱۳۱۲/۱۱/۱۲ خروج ۱۳۱۲/۱۱/۱۲^(۱)

مقام منبع وزارت جلیله متبوعه ... عطفاً به مرقومه نمره ۱۰۵۳۳/۲۰۴۹ - ۱۳/۱۲/۸/۲۷ [۱۳] و ضمائم آن عین امتیاز نمره ۹۶۷۹/۲۱۵۸۵ - ۸۹۸ مورخ ۱۳/۱۲/۸/۱۴ مجله اطلاع را پس از الصاق تمبر به صاحب امتیاز (آقای حاجی محمدحسن خان امیرنظمی افشار) تسلیم و اینک یک نسخه رسید آن را به انضمام التزامنامه تمبرش لفاً تقدیم می‌دارد. [امضاء ناخوانا]

۱ - ۴ - ۱۹۱۹/۶/۲۶

سند شماره ۴

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف و اوقاف ایالت غربی آذربایجان، سواد [تعهدنامه]^(۱)

اینجانب در اداره انطباعات وزارت معارف و اوقاف ملتزم و متعهد می‌شوم که در موقع نشر جریده خود کاملاً مراعات قانون مطبوعات را نموده و تقبل می‌کنم که در صورت تخلف مجازاتهایی که در قانون معین است از عهده برآیم و محض استحضار خاطر اولیاء وزارت جلیله [د] اطلاعات ذیل را تقدیم می‌نمایم و در صورت تغییر هر یک از کیفیات ذیل در ثانی معلومات لازمه را کتباً اطلاع خواهم داد.

- ۱ - [اسم و رسم مدیر روزنامه یا مجله، اسم مدیر محمدحسن، شهرت امیرنظمی افشار، رئیس انجمن بلدی رضائیه.
 - ۲ - محل اداره آن، فعلاً شهر رضائیه
 - ۳ - اسم و رسم مطبعه که روزنامه در آن به طبع خواهد رسید، فعلاً در نظر^(۲) گرفته‌ایم در مطبعه تمدن طبع شود.
 - ۴ - عنوان روزنامه و مجله و ترتیب طبع آن که یومیه و هفتگی یا ماهیانه است، فعلاً ماهیانه خواهد بود.
 - ۵ - عدد چاپ هر نمره، عده چاپ قبلاً معین که نمی‌شود، هر قدر پیشرفت نماید چاپ می‌شود، عجزاً تا دویست [نسخه چاپ می‌شود].
 - ۶ - مسلک روزنامه و سیاق مطلب آن، وطن پرستی، تشویق به اصلاحات و ترقی مملکت ایران.
 - ۷ - از هر شماره در موقع انتشار چهار نسخه برای وزارت معارف و کتابخانه بفرستم، اطاعت می‌شود.
 - ۸ - هرگاه اعلانی از طرف وزارت معارف داده شود مجاناً طبع شود، اطاعت می‌شود.
- ماده ۵ - در صورتی که مندرجات مجله ولو در یک شماره از حدود امتیاز تجاوز کند وزارت معارف [پشت سند]: حق دار [د] مجله مزبور را توقیف و امتیاز آن را الفاء نماید. به تاریخ هشتم بهمن ماه ۱۳۱۲ شمسی مطابق ۱۲ شوال ۱۳۵۳ قمری. محمدحسن امیرنظمی افشار. سواد مطابق اصل است [مهر] تفتیش معارف و اوقاف ایالت غربی آذربایجان [امضاء ناخوانا]

۱ - ۴ - ۱۹۱۹/۶/۲۶

۲ - اصل: بنظر

رضائیه

سند شماره ۱

۱۳۰۹/۱/۳۱]، مقام محترم ریاست معارف رضائیه دام اقباله‌العالی^(۱)، در تعقیب پیشنهاد سابق^(۲) و استدعای امتیاز مجله و روزنامه مجدداً مستدعی است، خودتان کاملاً از وضع رضائیه مستحضرید در ولایت رضائیه روزنامه و مجله خیلی لازم است. توجهات سریعه حضرتعالی را بسوی این مسئله جلب نموده، مستدعی است امتیاز مجله نشاط رضائیه [و] روزنامه عصر پهلوی با همان تعهدات و مدارک سابق که تقدیم شده، برای کمترین تقاضا نمایید صادر شود. در تبریز و طهران هم یقیناً موافقت و مرحمت خواهند فرمود. منتظرم با اقدامات جدی در این خصوص امتیاز هر دو فقره را صادر فرمایید. زیاده عرض و تصدیع ندارد. کمترین [امضا] محمد حسن امیرنظمی افشار.

[حاشیه] در نمره ۱۲۳ - ۱۳۰۹/۱/۳۱] ثبت، درک - د - ۴ - ۳ ضبط می‌شود.

۱ - ۹ - ۷/۲/۳۰۹

۲ - نکه: شیر و خورشید سرخ رضائیه سند شماره ۳.

سند شماره ۲

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف و اوقاف آذربایجان، سواد مرفومه وزارت معارف، نمره ۴۸۹۹ - ۲۵۳۹ مورخه ۱۳۰۹/۳/۷] که اصل آن به نمره ۲۱۵۴ ثبت شد.^(۱)

بعده‌العنوان. در جواب مراسله نمره ۲۱۵۴ راجع به تقاضای امتیاز مجله به نام نشاط رضائیه و روزنامه به نام عصر پهلوی، به عنوان آقای حاجی امیرنظمی افشار اشعار می‌دارد:

نظر به اینکه بایستی مشارالیه مسلک مجله مزبور را معین نماید لذا قبلاً یک ورقه التزامنامه لفاً ارسال می‌دارد تا محتویات آن را ملاحظه نمایند و پس از درج نکات مطلوبه به امضای مشارالیه رسانیده دو قران تمبر نیز به آن الصاق کنند بعد اعاده دهند تا اقدام مقتضی به عمل آید.

اما امتیاز روزنامه به نام عصر پهلوی^(۲) اعطاء نخواهد شد مگر اینکه اسمی پیدا کنند که به دیگری داده نشده باشد. محل امضا و مهر وزارت معارف. [مهر] سواد مطابق اصل است. دفتر معارف آذربایجان.

۱ - ۹ - ۷/۲/۳۰۹

۲ - امتیاز روزنامه عصر پهلوی پیش از این به (موبده‌الشریعه گلانی) داده شده بود که به طور هفتگی تاسیس و در سال ۱۳۰۴ شمس منتشر شده است. صدر هاشمی، تاریخ جراید... ج ۴ ص ۲۸

سند شماره ۳

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف و اوقاف آذربایجان، اداره معارف رضائیه، سواد امتیازنامه روزنامه رضائیه نمره ۱۳۷۷۸/۶۹۴۷ مورخه ۱۳۰۹/۶/۳۱]^(۱)

- وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره انطباعات.
- چون آقای حاج امیرنظمی افشار امتیاز روزنامه موسوم به رضائیه را از وزارت معارف تقاضا نموده لهذا مشارالیه با مراعات شرایط ذیل و بر طبق التزامی که سپرده‌اند مجاز در طبع و نشر روزنامه مزبور می‌باشد:
- ۱- در موقع طبع و نشر روزنامه مزبور داریه امتیاز مکلف است کاملاً مراعات مواد قانون مطبوعات را بنماید.
 - ۲- بدون تصویب وزارت معارف حق تفویض امتیاز خود را به دیگری نخواهد داشت.
 - ۳- از تاریخ صدور این امتیاز الی مدت شش ماه در صورتی که صاحب امتیاز به واسطه موانعی موفق به انتشار روزنامه نشود باید به وزارت معارف رجوع نموده، تجدید امتیاز نماید.
 - ۴- مسلک روزنامه مزبور وطن‌خواهی، تجدیدپروری [و] ملت‌پرستی خواهد بود. از طرف وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه.
- محل مهر وزارت معارف. امضا صدیق.

۹-۹-۹۷/۷/۲۴

سند شماره ۴

کتابخانه و مطبعه تمدن، رضائیه. LIBRAIRIE & IMPRIMERIE TEMEDDUN. به تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۰۹ نمره ۱۵۲ (۱).

حضور ریاست محترم اداره معارف رضائیه دام‌اقباله‌العالی، محترماً خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد که روزنامه رضائیه به مدیریت آقای امیرنظمی افشار تأسیس و طلیعه آن هم در شرف طبع و انتشار است. با کسب اجازه ممتنی است مقررات اداری را در این موضوع اشعار فرمایند که بعدها اسباب تصدیق آن، در اداره محترمه واقع نشویم. [امضا] تمدن.

[ذیل سند] نمره ۲۳۲۶ - ۰۹/۱۱/۱۱ [۱۳]

آقای مدیر مطبعه تمدن، در جواب مشروحه مورخه ۰۹/۱۱/۱۱ اشعار می‌دارد که آقای حاجی امیرنظمی افشار مجاز به انتشار روزنامه رضائیه بوده و مطبعه نیز در حدود قانون مطبوعات مسئول است و البته مقررات آن را باید رعایت نماید که مورث مسئولیت قانونی نشود.

[امضا] حسین

۹-۹-۹۷/۷/۲۴

سند شماره ۵

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف و اوقاف آذربایجان، به تاریخ ۲۹/۱۱/۱۳۰۹، نمره ۱۶۵۱ (۱)

آقای نماینده معارف رضائیه، از پست اخیر رضائیه دو شماره جریده (رضائیه) به این اداره رسیده، چون بر طبق ماده (۹) قانون مطبوعات، هر یک از مدیران جراید مکلفند در موقع طبع و توزیع جریده خود دو شماره به اداره معارف محل تسلیم نمایند، معلوم نشد که شماره‌های مزبور برای مراعات قانون مذکور (۹) فرستاده شده یا خیر. در هر صورت چون دفتر معارف آنجا را نمی‌توان اداره اطلاق نمود تا هر دو [شماره] را به آن اداره بدهند لازم است به آقای مدیر جریده اخطار نمایند که مرتباً یک شماره از روزنامه را در آنجا به شما بدهند و یک شماره هم مرتباً به اینجا بفرستند و شما هم از روی دقت مطالعه نموده که مطلبی برخلاف سیاست مملکتی یا مذهب رسمی

مملکتی در آن نوشته نشده باشد. [امضا ناخوانا]
[مهر] اداره معارف و اوقاف ایالتی آذربایجان ۱۳۰۹.

[حاشیه] نمره ۲۴۹۹ - ۰۹/۱۲/۴ [۱۳]

مقام منبع ریاست جلیله معارف کل آذربایجان، با زیارت دستخط نمره ۱۶۵۱۰ - ۰۹/۱۱/۲۹ معروض می‌دارد، مدیر روزنامه رضائیه بر وفق مقررات قانون مطبوعات یک شماره از روزنامه منتشره را به این دفتر تسلیم و آن دو شماره که به اداره جلیله ایالتی ارسال داشته غیر از این بوده است.

محض اطلاع خاطر مبارک جسارت ورزید. [امضا] حسینی.

۱ - ۰۹ - ۱۳۰۹/۱۲/۴

۲ - اصل: مزبور

سند شماره ۶

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف و اوقاف آذربایجان، به تاریخ ۱۳۰۹/۱۲/۱۶، نمره ۱۷۴۲۶ (۱)

آقای نماینده معارف رضائیه، نمره ۲۴۹۹ - ۰۹/۱۲/۴ [۱۳] ملاحظه گردید. اگر به نمره ۱۶۵۱۰ - ۰۹/۱۱/۲۹ [۱۳۰] درست دقت نمایید رفع اشتباه شما خواهد شد. آقای مدیر جریده مکلف است دو شماره [جریده را] به اداره معارف و دو شماره [هم] به کتابخانه دولتی مرکز ارسال دارد و چون در محل اداره معارف نیست و فقط دفتر نمایندگی موجود می‌باشد، لازم است یک شماره را خودتان نگهداشته و شماره دیگر را به این اداره ارسال دارید و دو شماره هم مستقیماً به تهران برای ضبط در کتابخانه دولتی ارسال دارند. [امضا ناخوانا]. [مهر] اداره معارف و اوقاف ایالتی آذربایجان ۱۳۰۹.

[حاشیه] ورود به دفتر معارف رضائیه به تاریخ ۱۳۰۹/۱۲/۲۶ نمره ۲۴۹۹.

۱ - ۰۹ - ۱۳۰۹/۱۲/۴

پرونده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۷

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف و اوقاف ایالت غربی آذربایجان، نمره ثبت دفتر ۵۹۷۵ [تاریخ] خروج ۱۳۱۴/۶/۲۹ (۱)

جناب آقای والی ایالت آذربایجان غربی، چنانچه کاملاً سابقه دارید و بر اثر مذاکرات شفاهی، و امری که مرحمت فرمودید، از تیر ماه ۱۳۱۴ مطابق تعهد شفاهی که بنده نمودم، آقای تمدن مدیر مطبعه، روزنامه رضائیه را طبع و نشر نمود [اما] در تاریخ ... استنکاف از طبع کرد.

چون تهران تشریف برده بودید، اینجانب کتباً به موجب سواد مراسله که تقدیم می‌شود، تعهد پرداخت مخارج هشت شماره را نمودم. اینک که شماره هشتم هم نشر نشده از طبع و نشر خودداری و منتظر [تمیین] تکلیف قطعی است. اینک هرگاه جناب عالی در مسافرت

تهران برای جبران کسر خرج آن اقداماتی فرموده‌اید و مطمئن پرداخت وجهی به عنوان کمک خرج روزنامه [بشت سند] رضائیه نمی‌باشید^(۲)، مرقوم فرمائید مخارج هشت شماره گذشته به طریق اعانه جمع‌آوری و تأدیه و روزنامه هم تعطیل شود. [امضا ناخوانا]

۶-۶-۱۸/۱۴۱۸ت

۹- اصل: می‌باشید

سند شماره ۸

وزارت داخله، ایالت غربی آذربایجان، تاریخ ۱۳/۷/۲ [۱۳]، نمره ۶۱۹۷^(۱)

آقای رهبر رئیس اداره معارف ایالت غربی آذربایجان، معطوفاً به مراسله نمره ۵۹۷۵ راجع به مخارج روزنامه رضائیه زحمت اشعار می‌دهد:

لزوم اشاعه روزنامه در رضائیه به عرض پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی رسیده و برطبق مرقومه که از ریاست وزراء عظام رسیده است وعده فرموده‌اند که مبلغ ده هزار ریال اعانه مرحمت شود.

در این سفر اخیر در ضمن شرفیابی مراتب را به عرض جناب رئیس الوزراء رسانیده و مقرر فرموده‌اند که مجدداً درخواست ده هزار ریال اعانه تقدیم گردد. حسب الامر تحت نمره ۶۱۹۶ شرح لازم به عرض رسیده و قطعاً پس از انجام تشریفات لازمه وجه خواهد رسید. بنابراین ادامه طبع روزنامه مانعی نداشته بلکه نهایت ضرورت را دارد. [امضا ناخوانا]

[حاشیه ۱] تفتیش

[حاشیه ۲] نمره ۵۹۷۵ - ۱۴/۷/۲

[حاشیه ۳] نمره ۲۴۳۳ - ۱۴/۷/۲

۶-۶-۱۸/۱۴۱۸ت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سند شماره ۹

وزارت داخله، ایالت غربی آذربایجان، سواد تصویب‌نامه هیئت دولت، نمره ۵۶۱۱ مورخه ۱۳/۹/۱۰^(۱)

هیأت^(۲) وزراء در جلسه ۸ آذر ماه ۱۳۱۴ [۱۳] بنا به پیشنهاد ایالت غربی آذربایجان نظر به لزوم مساعدت به روزنامه رضائیه تصویب نمودند که مبلغ ده هزار ریال از محل اعتبار مخارج غیرمترقبه دولت به توسط اداره معارف رضائیه به روزنامه مذکور پرداخته شود. رئیس الوزراء.

[حاشیه] سواد ابلاغ تصویب نامه فوق برای ایالت غربی آذربایجان ارسال می‌شود. کابینه هیأت وزراء.

سواد مطابق اصل است. [امضا ناخوانا] ۱۴/۱۱/۱

۶-۶-۱۸/۱۴۱۸ت

۹- اصل همه جا: هیئت

سند شماره ۱۰

محضر مقدس حضرت ریاست پناهی دام اقباله^(۱)، محترماً زحمت عرض می‌دهد، متجاوز از هفت ماه از موقع انتشار روزنامه که بنا به امر و دستور جناب عالی به طبع و نشر آن اقدام نموده‌ایم، می‌گذرد. پس از هفت ماه که وجه رسیده است، البته هرچه زودتر وجه تعهدی تأدیه شود بهتر به درد ما می‌خورد^(۲)، والا پس از موقع و افاقه فرصت لا بد مصرف معالجه خواهد شد. مقصود، لطفاً امر و مقرر فرمایید که امروز وجه مزبور را پرداخت و آسوده فرمایند. [امضا] تمدن. ۱۳۱۴/۱۱/۶ [۱۳]

[حاشیه ۱] ورود به دفتر معارف رضائیه به تاریخ ۱۳۱۴/۱۱/۷، نمره ۱۳۲۷۹

[حاشیه ۲] نمره ۵۰۶۷ - ۱۴/۱۱/۷

[حاشیه ۳] به محاسبات احاله شد. ۱۳۱۴/۱۱/۸ [۱]

[حاشیه ۴] ورود به نمره ۳۶۱۵ به تاریخ ۱۴/۱۱/۸ دفتر محاسبات اداره معارف ایالت غربی آذربایجان

۱ - ۱۰ - ۲۹/۴/۵

۲ - اصل: به درد ما برمی‌خورد

سند شماره ۱۱

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف و اوقاف ایالت غربی آذربایجان، نمره عمومی ۱۳۳۱۷، نمره خصوصی ۳۶۱۶، موضوع مسوده روزنامه رضائیه، تاریخ ۱۳۱۴/۱۱/۸ [۱]^(۱)

فوری است. صاحب امتیاز و مدیر روزنامه رضائیه، اینک با ارسال سواد اظهاریه مورخه ۱۳۱۴/۱۱/۸ [۱] آقای محمد مدیر مطبوعه تمدن دایره مطالبه دویست و ده تومان و سه ریال و بیست دینار بابت سهمیه مخارج طبع روزنامه رضائیه که طبق اظهار مشارالیه چندین سال است باقی است در ضمیمه ارسال و مقتضی است سابقه‌اش را برای اطلاع این اداره مرقوم و نظریه لازمه را دایره به پرداخت وجه طلب آقای تمدن از محل ده هزار ریال اعانه که طبق تصویب‌نامه نمره ۵۶۱۱ - ۱۳۱۴/۹/۱ [۱] هیئت محترم وزراء، از طرف دولت اعطاء شده است جلب می‌نماید. [امضا ناخوانا]

۱ - ۱۰ - ۲۹/۴/۵

سند شماره ۱۲

ریاست معارف و اوقاف آذربایجان غربی^(۱)، تاکنون دو طغراف مراسله آن مقام محترم یکی در نمره (۱۳۰۸۰) مورخه ۱۳۱۴/۱۱/۴ [۱] یکی هم تحت نمره (۳۶۱۶ - ۱۳۳۱۷) مورخه ۱۴/۱۱/۹ واصل...^(۲) احترام گردیده.

در جواب اولی عرض می‌نماید، مبلغ ده هزار ریال که از طرف دولت برای کمک به اداره [روزنامه] رضائیه و نشر زبان فارسی و تعمیم آن، به آن واسطه در میان عموم اعتبار داده شده بود، تا از اداره مالیه غربی آذربایجان مأخوذ شده و به مصرف قروض و مصالح لازمه روزنامه برسد.

کمترین، از این مساعدت و توجهات روزافزون دولت، خاصه وزارت جلیله معارف و اوقاف، که متوجه تمامی نکات و دقایق لازمه این

ایالت به خصوص این سرحد می‌باشند، عرض تشکر و سپاس‌گذاری نموده خیلی افتخار دارم که [روزنامه رضائیه با آن زحمات و خسارات کمرشکن نسبت به این بنده در اثر توجهات اولیای امور عظام، از حال تعطیل خارج و به خدمات شاه‌پرستانه و تبلیغات لازمه در این سرحد و نشر و اشاعه زبان فارسی مشغول گردیده و آن مقام محترم که در رأس آن یک نفر رئیس جدی و فعال و شاه‌دوست و میهن‌پرست مثل آقای رهبر قرار گرفته، خدمات فداکارانه این روزنامه ملی را به مقامات عالیه عرض و این توجهات را در نوبت خود جلب نموده‌اند. زبان الکن بنده از ادای شکر آن قاصر است و مخفی نماند جناب آقای عامری والی سابق رضائیه هم به محض ورود به این ایالت از تعطیل و گرفتاریها و قرض و خسارات اداره [روزنامه رضائیه واقف و از این قضیه بسیار تأسف خورده تعطیل روزنامه را در این ایالت سرحدی بسیار زنده و عیب پنداشتند.

این است [که] ایشان نیز خیلی تعقیب فرموده و اولیای امور را به این نقیصه بزرگ معارفی مطلع و مستحضر داشته و قول دادند که نظر مرحمت مقامات عالیه مرکز را جلب و روزنامه رضائیه را از محاق تعطیل و توقف خارج سازند. پس از حصول اطمینان از مرکز، تشریفاتی فرمودند که روزنامه رضائیه با مساعدتهای معنوی آن مقام محترم انتشار یافته و تا وجه اعتبار برسد عراده را راه انداختند و الحق آقای تمدن مدیر محترم مطبعه تمدن نیز تا ۲۵ شماره انتشار داده و دیناری اخذ و وجه نکرده و همه‌اش را صبر نموده و منتظر شده بود تا وجه اعتبار برسد، هیچ‌گونه فشاری به اداره [روزنامه] رضائیه نداده بود؛ ایشان نیز یکی از اشخاص میهن‌پرست واقعی و معارف دوست این شهر می‌باشند.

پس از اینکه اختطاریه اداره محترم مالیه ایالتی تحت نمره ۲۵۲۴۷ مورخه ۱۴/۱۱/۲ و بعد مراسله اولی آن مقام محترم واصل شد سند خرج ده هزار ریال وجه مساعده را امضا کرده تحویل آقای ارزنگی نموده قبضی از ایشان اخذ نمودم که خود آقای رئیس محترم معارف نیز تصدیق فرموده‌اند، تا وجه را از مالیه اخذ کرده و به اطلاع این بنده که صاحب امتیاز و مدیر مسئول و خسارت دیده روزنامه رضائیه می‌باشد، صرف نماید و چون بنده همیشه از پول فرار کرده است نخواستم تقاضا نمایم که این وجه مساعده در پیش خود بنده باشد، زیرا که نظر کمترین انتشار روزنامه و انجام خدمات شاه‌پرستانه و میهن‌خواهانه و معارف دوستانه است و ابدأ نظر شخصی نداشته است. چنانکه در اثر این نیت بی‌آلایش خود چقدر ما در راه انتشار جریده رضائیه که در سنوات قبل از هیچ طرف مساعدتی نمی‌شد سهل است، بدخواهان معارف نیز در سد و جلوگیری [از] انتشار روزنامه فروگذاری نکرده و کسی هم یافت نمی‌شد [که] آن بدخواهان و تعرض کنندگان را از این اقدامات معارف گشانه منع نماید. این است [که] صدها صدمات و خسارات را تحمل کرده باز از انجام خدمت خودداری^(۳) نکرد.

بدبختانه در آن ایام قیمت کاغذ رو به بالا رفته تا نود و شش ریال یک بوط^(۴) کاغذ را خریده به مصرف رساندیم که این‌گونه خرجهای گزاف با غارت‌زدگی ایام استیلای اکراد و عقب‌افتادگی و خرابی باغات و املاک برای کمترین بسیار صعب و اسباب ضیق معاش می‌گردید در جواب مراسله ثانی و اظهار طلب آقای تمدن عرض می‌نماید:

در سال ۱۳۱۱ که روزنامه از مزاحمت‌های کثیره و معارف گشانه اشخاص شریر و بدنفس و حسود این شهر و کثرت طلب مطبعه و عدم وصول وجوهات آبونه از مشترکین شهری و ولایات دچار تعطیل و وقفه شده [بود]، با آقای تمدن حساب نمودیم. با وجود اینکه در سالهای اولی و دومی^(۵) انتشار روزنامه وجوهاتی پرداخت شده بود، قریب پانصد و چیزی طلبکار شدند ناچار قبضی به نام آقای تمدن داده شد تا از وجوهات آبونه جمع‌آوری شده پرداخت گردد پس از تعطیل روزنامه مشترکین بیشتر جری و در استتکاف خود استقامت ورزیدند.

بنده هم در مقابل زحمات و صبر و تحمل آقای تمدن خیلی خجمل و شرمسار بودم. این است [که] با [وجود] ضیق معاش و کثرت قروض شخصی و آلودگی و گرفتاریهای گوناگون ناچار شدم یک دفعه صد تومان از عایدات طاحونه^(۶) خودمان در قریب^(۷) به ایشان حواله دادم و در سال ۱۳۱۲ یک صد و بیست تومان کرایه اصطلیل بلدییه را به ایشان حواله نمودم و در سال ۱۳۱۳ مبلغ یک صد و هشتاد تومان کرایه عمارت اصطلیل بلدییه که دهی پنج تومان از سال قبل اضافه شده بود باز به ایشان حواله دادم. در ظهر قبض نوشته شد و از قرض اداره روزنامه کاسته گردید و در این بین هم دو شماره مجله اطلاع یکی دو سال قبل و یکی پارسال در جشنهای فردوسی که روزنامه رضائیه تعطیل بود، انتشار داده شد. قریب پنجاه و هفت تومان هم مصرف طبع و غیره آنها شد. این است [که] آقای تمدن، قریب دو بیست و ده تومان و سه ریال و چهار شاهی از اداره [روزنامه] رضائیه طلبکار و طلب ایشان باقی مانده است و از سال ۱۳۱۱ تاکنون با ما رفتار کرد^(۸) و به اخذ طلب خود به تدریج و مهلت قابل شده و دانسته‌اند که اگر ممکن و میسر بود، بنده یک مرتبه طلب مطبعه ایشان را پرداخت می‌نمودم. نهم بهمن ماه ۱۳۱۴ [که] طلب هذله‌السنه مطبعه را به موجب کتبرات که آقای مدیر داخلی با مطبعه بسته‌اند، و اداره محترم معارف نیز اطلاع دارند، تا عید نوروز سال فعلی مبلغ چهار صد و بیست و نه تومان و سه ریال و ده شاهی و طلب قبلی مبلغ

دویست و ده تومان و سه ریال و چهار شاهی جمعاً^(۹) شش صد و سی و نه تومان و شش ریال و چهارده شاهی از وجه اعتبار حواله داده‌ام.

مستدعی است مقرر فرمایید آقای ارزنگی در پرداخت آن سرعت فرمایند تا رضایت خاطر آقای تمدن به عمل آمده و رفع زحمت گردد. در خاتمه محض اطلاع خاطر محترم عرض می‌نماید: اداره [روزنامه] رضائیه از سنوات قبل دیگر قرضی بجز شانزده تومان از بابت کرایه اداره [روزنامه] رضائیه که به آقای سرکار سرهنگ درخشانی مقروض است [و] باید به نماینده ایشان آقای اصفهانی پرداخت شود، به دیگری مقروض نیست مگر به شخص خود این کمترین. علاوه بر زحمات که تقبل نمود به صبر و تحمل به هزار گونه پیچیدگی و مزاحمت صدها تومان خسارت و ضرر کمترین شده است. جبران و تلافی منوط به رأی^(۱۱) انور عالی و توجهات باطنی است. استدعای عفو می‌نماید که روزنامه‌ای در جواب مراسلات مختصر عالی عرض شد تا از کم و کیف کاملاً استحضار حاصل فرمائید. زیاده تصدیع است. [امضا] امیرنظمی افشار

[حاشیه]: [مهر] ورود به دفتر معارف رضائیه به تاریخ ۱۳۱۴/۱۱/۱۲ نمره ۱۳۴۸۹.

[حاشیه ۲] محاسبات

[حاشیه ۳] آقای ارزنگی، در دوسیه روزنامه ضبط و خلاصه قسمتی که لازم است به مرکز در جواب وزارت معارف بنویسید. [۱]۳۱۴/۱۱/۱۲

۱ - ۱۰ - ۶/۴/۳۵

۲ - یک کلمه خوانده نمی‌شود.

۳ - اصل: خوداری

۴ - یو: (روس) و آن وزنی است معادل پنج من و نیم تیریز (لغت نامه دهخدا).

۵ - اصل: دویسی

۶ - ماسونه: آسیا (لغت نامه دهخدا، ج ۹)

۷ - قریبقلو: قره بوغلو، دهی از دهستان نازار بخش حومه شهرستان ارومیه (ردک لغت نامه دهخدا)

۸ - و با ما رفتار کردن، در گویش آذربایجان در معنی «با ما مدارا کردن» به کار می‌رود.

۹ - اصل: چمستان

۱۰ - اصل: برای

شوریه‌شاه‌علا سنده شماره ۱۳

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف و اوقاف ایالت غربی آذربایجان، نمره عمومی ۱۴۵۲۹، نمره خصوصی ۳۸۲۱، دوسیه ۳ - ۱۲ تاریخ تحریر [۱]۳۱۴/۱۲/۶ [...] (۱)

وزارت معارف، تهران، اداره محاسبات، توسط آقای رهبر رئیس معارف و اوقاف ایالت غربی آذربایجان. عطفاً به مرقومه نمره ۶۰۱۱۹/۱۹۱۰۶ - ۱۳۱۴/۱۱/۱۲ دایر به ده هزار ریال اعتبار برای مساعدت به روزنامه رضائیه معروض می‌دارد که وجه مزبور به اطلاع این اداره از طرف آقای محمدحسن امیرنظمی مدیر مسئول و صاحب امتیاز روزنامه اخذ و نیز مبلغ شش هزار و ششصد و نود و شش ریال و هفتاد دینار بابت طلب سابق مطبعه و بعضاً مخارج طبع و قیمت کاغذ روزنامه تا آخر اسفند ماه [۱]۳۱۴ در حق آقای تمدن مدیر مطبعه پرداخت شده است. [امضا ناخوانا]

۱ - ۱۰ - ۶/۴/۳۵

سند شماره ۱۴

۱۳۱۷/۴/۲۸ اداره محترم معارف و اوقاف استان چهار^(۱)، مرقومه مورخ ۱۷/۴/۲۵ شماره ۶۸۷۷/۲۷۸۱ واصل ... احترام گردید و از مفاد آن اطلاع [حاصل گردید] و ضمیمه آن را، که تصویب [نامه] هیأت دولت درخصوص انتشار جراید و مجلات است، زیارت کردم. به واسطه فقدان مطبوعه مرتبی که تیراژ روزنامه را به تأخیر نینداخته و بزودی از طبع خارج نماید، روزنامه فعلاً در حال تعطیل است. هر وقت مطبوعه مکمل به آن شهر وارد شد، البته شروع به انتشار آن می‌شود، سردبیر مسئول مشترک هم معرفی می‌گردد. روزنامه هفتگی را هم البته می‌توان انتشار داد و مصارف آن را تحمل نمود، اهمیتی ندارد ولیکن حالا که انتشار نمی‌یابد و در حال تعطیل است، بدیهی است ممکن نمی‌شود کسی را به سردبیری آن معرفی نمود و اگر اولیای امور خدمات قلمی ما را پسند فرموده و خرده^(۲) نگیرند البته خدمات خود را ادامه خواهد داد. والا میل خودشان است، از این^(۳) خدمت هم اگر می‌خواهند ما را منع فرمایند [و] دیگری را برگزینند، ممکن است؛ اقدام فرمایند.

در خاتمه احترامات خود را تقدیم داشته مزید موفقیت کارکنان آن اداره محترم را خواهان است. زیاده تصدیع است. [امضا] محمد حسن امیر نظمی افشار

[حاشیه ۱] بازرسی ۷۴۵۲ - ۱۷/۴/۲۹

[حاشیه ۲] ۲۷۸۱ - ۱۷/۴/۳۰

[حاشیه ۳] سابقه ۱۷/۵/۱۰

[حاشیه ۴] [به] پرونده مربوطه ضمیمه شود ۱۷/۶/۵



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱ - ۸ - ۹۱۵۱۶

۲ - اصل: خورده

۳ - اصل: آیین

پروین (رضائیه)

سند شماره ۱

اداره معارف ارومیه، نمره ۵۴، کارتن ۱، دوسیه ۳، به تاریخ ۱۹ شهر ذیحجه ۱۳۳۵ مطابق ۱۴ برج میزان ۱۲۹۶، ضمیمه سواد لایحه میرزا هاشم خان دبیرالوزراء^(۱)

مقام منبع ریاست محترم اداره جلیله کل معارف آذربایجان دامت شوکت، از آن جایی که جناب جلالتماب آقای میرزا هاشم خان دبیرالوزراء که از اشخاص وطن پرست و ملت دوست و معارف پرور است و مدتی است که در صدد تأسیس اداره روزنامه بوده اینک از حسن مساعدت و معاونت چند نفر اشخاص محترم نایل به انجام مقصود خود گردیده، از اداره معارف تقاضای صدور اجازه و امتیاز روزنامه [ای] به نام پروین نماید سواد لایحه معزی الیه را لفاً ارسال، حضور مبارک نموده و ضمناً مستدعی است که محض توسعه معارف و تشویق معارف خواهان با اصدار امتیاز جریده معروضه از مقام مقدس وزارت جلیله معارف دامت شوکت، جمعی از محترمین این ولایت را سرافراز فرمایند. زیاده جسارت است.

۱ - ۴ - ۱۳۱۴/۵ ت

سند شماره ۲

اداره معارف ارومیه، نمره ۶۹، کارتن ۱، دوسیه ۳، به تاریخ ۲۳ شهر صفر ۱۳۳۶ مطابق ۱۷ برج قوس ۱۲۹۶^(۱)

مقام منبع ریاست جلیله کل معارف ابالت آذربایجان دامت شوکت، که در تعقیب عریضه مورخه ۱۹ ذیحجه ۱۳۳۵ که در تحت نمره ۵۴ راجع به تقاضای صدور امتیاز جریده پروین عرض شد، مجدداً جسارت می‌ورزد که آقای دبیرالوزراء صاحب امتیاز روزنامه در حضور مبارک به توسط چاکر تمنای اجازه نشر جریده را مستدعی [است] که بزودی به انتشار جریده معروضه اجازه فرمایید. امر مبارک مطاع [است].

۱ - ۴ - ۱۳۱۴/۵ ت

سند شماره ۳

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف آذربایجان، نمره ۷۰۰، به تاریخ ۴ شهر ربیع الاول ۱۳۳۶ مطابق ۲۷ برج قوس ۱۲۹۶^(۱)

آقای رئیس معارف و اوقاف ارومی، مراسله نمره ۶۹ جناب عالی ملاحظه [گردید]. سابقاً تقاضای اجازه‌نامه جریده پروین برای آقای دبیرالوزراء از مرکز شده ولی تا به حال جواب مساعد نیامده است. پس از تشکیل کابینه مجدداً تقاضای جریده مزبوره را نموده و نتیجه را

سند شماره ۴

اداره معارف ارومیه، نمره ۸۱، کارتن ۱، دوسیه ۳، به تاریخ ۲۵ شهریورماه اول ۱۳۳۶ (۱)

مقام منبع ریاست محترم اداره کل معارف ایالت آذربایجان دامت شوکت، درخصوص صدور امتیاز جریده پروین که سابقاً هم عرض شده است حالیه از چاکر کمیته محلی ارومیه فرقه دموکرات جداً امتیاز آن را خواستارند و اظهار می نمایند که آقای دبیرالوزراء از اشخاص کافی و صحیح الاخلاق این ولایت است، فرقه معین نموده که امتیاز آن را به اسم خود تقاضا نماید. اینکه مدت سه ماه است امتیاز آن صادر نمی شود اداره معارف محلی از اداره جلیله ایالتی استدعا می نماید که به توسط تلگراف از وزارت جلیله معارف دامت شوکت [تقاضا شود] امتیاز آن را صادر فرمایند. مستدعی است طوری فرمایند که بلکه به زودی امتیاز آن صادر شود. امر امر مبارک مطاع است.

سند شماره ۵

اداره معارف ارومیه، نمره ۱۰۱، کارتن ۱، دوسیه ۴، ذکر نمره قبل ۸۱، به تاریخ غره (=اول) شهر جمادی الاولی ۱۳۳۶ مطابق ۲۴ برج دلو ۱۳۳۶ (۱)

مقام منبع ریاست جلیله کل معارف ایالت آذربایجان دامت شوکت، در تعقیب عریضه نمره ۸۱ راجع به صدور امتیاز جریده پروین که به حمداله کابینه جدید وزراء عظام دامت شوکتهم عالی تشکیل و ابداً مانعی در کار نیست مجدداً عرضه می دارد که بذل توجه و مرحمت فرموده امتیاز جریده مذکوره را صادر و اهالی بدبخت ارومیه را متشکر مراجع میذوله بندگان سرکار عالی فرمایند. زیاده امر مبارک مطاع است. [امضاء] حسین.

شمال غرب

سند شماره ۱

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف و اوقاف آذربایجان، به تاریخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۱۱ نمره ۱۹۶۸ ضمیمه ۲ فقره (۱)

مقام محترم ریاست کل تشکیلات معارف و اوقاف ایالت غربی آذربایجان، با کمال توقیر خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد آقای میرزا حسن خان سعیدآبادی که وکیل حقوقی مشهور است، امتیاز یک روزنامه هفتگی به نام شمال غرب، توسط این اداره، از مقامات عالیه تقاضا دارد و دایر به عدم سوء سابقه خود، از نظمیه محل تصدیق آورده بود. حسب‌الوظیفه سواد عریضه مشارالیه را با عین تصدیق نظمیه محل تلوأ تقدیم می‌دارد. از طرف رئیس [امضا] جاوید.

[مهر] اداره معارف خوی، ۱۳۰۸.

[حاشیه ۱] ورود به دفتر معارف رضائیه به تاریخ ۱۳۱۲/۱/۱۶، نمره ۳۶۳.

[حاشیه ۲] تفتیش. طبق مقررات اقدام شود. ۱۳۱۲/۱/۱۶.

۱-۴-۱۹۱۷/۲۶

سند شماره ۲

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف و اوقاف آذربایجان، سواد ...، نمره ...، مورخه ۱۱/۱۲/۲۳ که اصل آن به نمره ۱۹۲۸ ثبت شد (۱).

مقام محترم ریاست معارف و اوقاف ولایتی خوی دام اجلاله، با تقدیم مرقومه ریاست محترم نظمیه خوی، که بر اثر تقاضای بنده صادر گردیده، با کمال توقیر و احترام، خاطر محترم عالی [را] مستحضر می‌دارد، قطع نظر از این که تأسیس روزنامه در این ولایت فواید و محاسن بی‌شمار را جانشین است و مسلماً در سال آتی، هزار و سیصد و دوازده، اداره ثبت اسناد تشکیل خواهد یافت، [که این مسئله] طبع و انتشار یک روزنامه محلی را ایجاب می‌نماید و نیز در سال [هزار و] سیصد و ده [هم] به وسیله آن اداره محترم و هم مستقیماً، تقاضای اصدار امتیاز یک روزنامه [مه] هفتگی (۲) گردیده [بود].

جوایی که در مقابل تقاضای بنده وصول یافته، مبنی بر این بوده است [که] در قانون مطبوعات تجدید نظری شده و برای تصویب مجلس مقدس شورای ملی از طرف وزارت جلیله معارف تقدیم گردیده، مادامی که (۳) قانون مزبوره به تصویب (۴) نرسیده، صدور امتیاز روزنامه غیر ممکن خواهد شد.

اخیراً مسموع افتاد قانون مزبوره به تصویب رسیده [است]. با مراتب معروضه مستدعی است به وسیله مقامات مربوطه، مقام منبع وزارت جلیله معارف نسبت به تقاضای بنده اقدام (۵) فرموده امتیاز طبع و نشر یک روزنامه هفتگی به نام شمال غرب، که حاوی مباحث و مقالات علمی ادبی فنی و اقتصادی خواهد بود، [را] صادر فرمایند که از سال ۱۲ [۱۳] انتشار یابد. سعیدآبادی، دارای ورقه هویت [نمره] ۳۸۹۸ (۶).

[حاشیه] دفتر معارف خوی، [مهر] سواد مطابق اصل است، ۱۳۱۲/۱/۷، جاوید.

- ۱ - ۴ - ۶/۱۳۹۶ت
- ۲ - اصل: هفته‌گی
- ۳ - اصل: مادائیکه
- ۴ - اصل: بتصویب
- ۵ - اصل: التذامات
- ۶ - اصل: ورقة هیئت دارای ۴۸۹۸

سند شماره ۳

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف و اوقاف ابالت غربی آذربایجان، سواد...^(۱)

۱۳۱۲/۹/۲۵، مقام محترم ریاست معارف خوی دام اجلاله، در تاریخ بیست و سوم^(۲) اسفند [سال یک هزار و] سیصد و یازده که در تعقیب تقاضای صدور امتیاز از مقام منبع وزارت جلیله معارف نسبت به نشر جریده هفتگی که حاوی مباحث و مقالات علمی و ادبی و فنی و اقتصادی به نام شمال غرب باشد، گردیده بود.

جواباً در تحت نمرة ۱۹۲۸ - ۱۲/۱/۲۸، که سواد درخواست بنده و مرقومه جوابیه مزبور^(۳) برای روشن کردن سوابق عرایض تقدیم می‌شود، اعلام فرموده‌اند تا زمانی که قانون جدید مطبوعات از طرف وزارت متبوعه ابلاغ نشده اجازه داده نخواهد شد. اینک تقاضای خود^(۴)، نسبت به صدور و اعطای امتیاز، را تجدید و نظر به این که^(۵) در سال هزار و سیصد و سیزده اداره محترم ثبت اسناد در خوی تأسیس خواهد شد و نشر جریده به اداره مزبور لازم و ملزوم است، مستدعی است با در نظر گرفتن معروضات فوق قضیه را تعقیب و اقدام لازم بعمل آورده با صدور امتیاز جریده، موفق به نشر آن و مفتخر بشوم. محل امضای سعیدآبادی^(۶)

[مهر] سواد مطابق اصل است. ۱۳۰۹،

[حاشیه] ۳۱۲/۹/۳۰ [۱]...^(۷)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- ۱ - ۴ - ۶/۱۳۹۶ت
- ۲ - اصل: سیم
- ۳ - اصل: مزبوره
- ۴ - اصل: تقاضای خود را
- ۵ - اصل: بزمانیکه
- ۶ - اصل: سعیدآبادی

ناله آزادی

سند شماره ۱

۶/۴/۲۵]۱۳۰] خدمت حضرت آقای رئیس معارف ارومی دام اقباله^(۱)، این بنده که در این موقع تأسیس یک روزنامه ملی را در نظر گرفته و برطبق مواد قانون انطباعات استشهاد و تصدیق صلحیه و نظمیه محلی را لفاً تقدیم حضور مبارک داشته، مستدعی است نظریات خودتان را در دایره صلاحیت این بنده به مدیریت روزنامه فوق‌الذکر مرقوم فرمایند تا ضمیمه تقاضانامه و سایر اسناد لازمه شده به مرکز ارسال و اجازه طبع و نشر آن صادر گردد. [امضا] حسن مجتهدزاده طباطبایی.

[حاشیه ۱] در نمره ۴۴۲ ثبت شد

[حاشیه ۲] نمره ۴۴۳ - ۶/۴/۲۷ مقام منبع ریاست جلیله کل معارف آذربایجان، آقای میرزا حسن مجتهدزاده که از اشخاص بااطلاع و صحیح‌العمل این ولایت بوده و درحقیقت استحقاق تقاضای امتیاز جریده را داشته و اینک شرحی برای اصدار اجازه روزنامه به نام ناله آزادی نوشته‌اند که سواد مشروحه معزی‌الیه را با مدارک لازمه آن در ضمیمه تقدیم داشته و ضمناً مستدعی است که در صدور اجازه امتیاز آن در حق معزی‌الیه مراحم کامله را معطوف فرمایند. [امضا] رئیس معارف. حسین

۱ - ۴ - ۶۱۳۱۳۱۷

سند شماره ۲

اینجانب در اداره انطباعات وزارت معارف و اوقاف ملتزم و متمهد می‌شوم که در موقع نشر جریده خود کاملاً مراعات قانون مطبوعات را نموده [...] محض استحضار خاطر اولیاء وزارت جلیله، اطلاعات ذیل را تقدیم می‌نمایم [...]:

۱ - اسم و رسم مدیر روزنامه. حسن مجتهدزاده طباطبایی

۲ - محل اداره آن. سرای بابایوف، [رضائیه].

۳ - اسم و رسم مطبعه که روزنامه در آن به طبع خواهد رسید. مطبعه تمدن.

۴ - عنوان روزنامه و ترتیب طبع آن. ناله آزادی، هفتگی.

۵ - عده چاپ هر نمره، ۵۰۰ ورقه.

۶ - مسلک روزنامه و سیاق مطلب آن، سیاسی و اخلاقی.

[...] به تاریخ شهر محرم الحرام مطابق تیرماه ۱۳۰۶ [امضا] حسن مجتهدزاده طباطبایی^(۱)

۱ - ۴ - ۶۱۳۱۳۱۷

سند شماره ۳

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف و اوقاف آذربایجان، سواد مرقومه وزارت جلیله معارف، نمره ۱۲۶۳۸ - ۶۸۹۱ مورخه ۶/۱۰/۲۱ که اصل آن به نمره ۵۸۹۰ ثبت شد^(۱).

ریاست معارف و اوقاف آذربایجان، در جواب مراسله نمره ۵۸۹۰ راجع به تقاضای میرزا حسن مجتهدزاده درخصوص امتیاز جریده اشعار می‌دارد مراتب به شورای عالی معارف مراجعه، معلوم شد که از دستور خارج گردیده است. محل امضاء و مهر وزارت معارف.

سواد مطابق با اصل است. [مهر] دفتر اداره معارف آذربایجان.

۸ - ۴ - ۲۶۳۲۷

سند شماره ۴

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف و اوقاف آذربایجان، اداره معارف، به تاریخ ۱۳۰۶/۱۱/۴، نمره ۸۰۹۰ ضمیمه (۱۱)

آقای نماینده معارف رضائیه، در موضوع تقاضای میرزا حسن مجتهدزاده راجع به امتیاز جریده شرحی از وزارت جلیله رسیده که سواد آن تلوأ ارسال می‌شود، لازم است مدلول آن را به مشارالیه اطلاع بدهید. [امضا ناخوانا]، [مهر] اداره معارف و اوقاف ایالتی آذربایجان. ۱۳۰۴.

[حاشیه] نمره ۱۳۴۸ - ۰۶/۱۱/۱۱

خدمت جناب آقای مجتهدزاده زیده توفیق، با ارسال سواد مشروح اداره جلیله ایالتی و سواد سواد دستخط وزارت جلیله محترماً اشعار می‌دارد که امتیاز جریده از شورای عالی معارف به مناسبت انحراف از دستور رد گردیده است. رئیس معارف [امضا] حسین

۸ - ۴ - ۲۶۳۲۷

سند شماره ۵

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف و اوقاف آذربایجان، به تاریخ ۱۳۰۹/۴/۲۹، نمره ۵۱۷۵، ضمیمه اسکناس و تمبر (۱۱)

آقای نماینده معارف رضائیه، تعقیب نمره ۸۰۹۰ - ۰۶/۱۱/۴ اینک مبلغ دوازده قران اسکناس و تمبر که از وزارت جلیله معارف رسیده است لغاً ارسال گردید که به آقای میرزا حسن مجتهدزاده تسلیم و قبض رسید آن را ارسال دارید تا به وزارت جلیله معارف تقدیم شود. در غیاب رئیس کل [امضا] اصغر ... (۲).

[حاشیه] نمره ۸۰۹ - ۰۹/۵/۱۳

۱ - همانجا

۲ - یک کلمه ناخوانا احتمالاً «قادی» است.

شیر و خورشید سرخ رضائیه

سند شماره ۱

جمعیت شیر و خورشید سرخ رضائیه، نمره ۳۲۱، تاریخ ۲۷ تیر/۱۳۰۸، ضمیمه ۱ [نسخه]^(۱).

ریاست محترم معارف و اوقاف رضائیه، با ارسال سواد مرقومه نمره ۳۱۹۴ - ۱۳۰۸/۴/۱۵ [۱۳] ریاست جلیله معارف و اوقاف آذربایجان مثنی است، دایر به طبع و نشر مجله شیر و خورشید سرخ رضائیه از اوراق چاپی مرحمت [نموده] و دستور تکمیل آن را مرقوم دارند تا اجازه درخواست شود. منشی هیأت مؤسسه شیر و خورشید رضائیه. [امضاء] حسین [؟] امیر نظامی افشار

[حاشیه به] نمره ۶۶۶ ثبت شد.

۸ - ۱ - ۱۳۰۸/۴/۱۵

سند شماره ۲

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف و اوقاف آذربایجان، نمره ثبت دفتر ۸۰۰ کارت ۵، دوسیه ۲، تاریخ [...] ۱۳۰۸/۶/۳^(۱)

هیأت مؤسسه محترمه شیر [و] خورشید رضائیه، در تعقیب مراسله نمره ۶۶۶ یک نسخه از تعهدنامه جراید را که از طرف اداره جلیله ایالتی با این پست رسیده بود، برای نمونه در ضمیمه همین مشروح ایفاد می دارد تا مدیر مسئول مجله آن مؤسسه محترمه تعهد خود را مطابق آن در نسخ ثلاثه تکمیل و به انضمام مدارک مربوطه: سواد مصدق ورقه هویت، تصدیق اداره محترمه عدلیه و نظمی راجع به عدم ارتکاب جنحه و جنایت، تصدیق معاریف شهر دایر به حسن اخلاق و معروفیت به دیانت به این اداره ارسال نماید که در طبق آنها تقاضای صدور اجازه طبع [و] نشر مجله به عمل آید. [امضاء] حسین

۸ - ۱ - ۱۳۰۸/۴/۱۵

سند شماره ۳

جمعیت شیر و خورشید سرخ رضائیه، نمره ۳۴۹، تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۰۸، ضمیمه ۷ [برگ]^(۱)

خدمت ریاست محترم معارف رضائیه دام اقباله، در جواب نمره ۸۰۰ دایر به صدور اجازه طبع و نشر مجله شیر و خورشید سرخ رضائیه اینک جناب مستطاب اجل، آقای حاج محمدحسن خان امیر نظامی افشار تعهد خودشان را در نسخ ثلاثه^(۲) تکمیل نموده اند که به ضمیمه چهار نسخه مدارک لازمه به آن اداره ارسال گردید. و چون آقای حاجی امیر نظامی افشار علاوه بر اوصاف جمیل و مزایای اخلاقی مخصوصاً در ترویج معارف و توسعه آن جذب بلیغی دارند و در نظر گرفته اند که روزنامه ای هم^(۳) به نام عصر پهلوی با مدیریت خودشان در این ولایت به طبع برسانند، لذا از طرف جمعیت شیر و خورشید رضائیه مثنی است امتیاز روزنامه مذکور را هم به اسم

ایشان از مرکز درخواست فرمایند تا اجازه هر دو صادر شود. [امضاء] عرب باغی.

۱ - ۸ - ۱۳۹۵/۱۲/۲۶ ت

۲ - اصل: نته

۳ - اصل: روزنامه هم

سند شماره ۴۵

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف و اوقاف آذربایجان، سواد مرقومه وزارت جلیله معارف نمره ۳۱۰۹۶/۵۸۶۷ مورخه ۱۳۹۵/۱۲/۲۶^(۱)

بعدالعنوان، در جواب مراسله نمره ۱۰۰۸۸ راجع به تقاضای اعطاء امتیاز مجله موسوم به شیر و خورشید سرخ رضائیه به عنوان آقای حاج امیرنظمی افشار اشعار می‌دارد: چون امتیاز مجله به نام مجله شیر [و] خورشید سرخ قبلاً به هیأت مرکزی جمعیت شیر [و] خورشید سرخ اعطاء شده و جمعیت مزبور موافقت با تقاضای مشارالیه ندارد، لذا امتیاز جداگانه، برای شیر [و] خورشید سرخ رضائیه صادر نمی‌شود. از طرف وزیر، مهدی فرج، محل مهر وزارت جلیله معارف.

[حاشیه] سواد مطابق اصل است. [مهر] دفتر اداره معارف ایالتی آذربایجان

۱ - ۸ - ۱۳۹۵/۱۲/۲۶ ت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

شباهنگ

سند شماره ۱

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف و اوقاف آذربایجان، به تاریخ ۲۱ فروردین ۱۳۱۲، نمره ۶۸، ضمیمه ۱ فقره (۱)

مقام محترم ریاست کل تشکیلات معارف و اوقاف ایالت غربی آذربایجان، توقیراً خاطر مبارک را مسحضر می‌دارد:
آقای حمید هاشمی یکی از جوانان خلیق و دانشمندان این بُلد به این اداره مراسله [ای] نوشته تقاضای امتیاز یک روزنامه هفتگی (۲) به نام شب‌آهنگ و یا خود فرهنگ از مقامات عالییه نموده، اینک سواد مصدق ورقه هویت تلواً تقدیم داشته مستدعی است با توجهات مبذوله، مقرر فرمایید تقاضای قانونی مشارالیه را به تصویب مقام وزارتتی برسانند. [امضا] از طرف رئیس، جاوید. [مهر] اداره معارف خوی ۱۳۰۸.

[حاشیه ۱] ورود به دفتر معارف رضائیه به تاریخ ۱۳۱۲/۱/۳، نمره ۷۶۴.

[حاشیه ۲] نمره ۷۶۴ - ۱۲/۱/۳۰

آقای رئیس معارف خوی، با ملاحظه نمره ۶۸ و ضمیمه آن خاطر شما را به مندرجات نمره ۳۶۳ (۳) این اداره معطوف می‌دارد. [امضاناخوانا]



۱ - ۴ - ۶۷۱۹۱۶

۲ - اصل: هفتگی

۳ - نگ: شمال غرب سند شماره ۳

سند شماره ۲

وزارت داخله، احصائیه و سجل احوال کل مملکت، سواد ورقه هویت نمره ۲۲۶۰۸، مورخه ۲۴/بهمن/۱۳۰۸ (۱)

آقای سید عبدالحمید هاشمی که پدر او موسوم به آقای حاجی میرزا ابوالقاسم هاشمی [...] و در ولایت خوی [...] ساکن است، در تاریخ روز یازدهم ماه ثور سال هزار و دویست و هفتاد و نه - ۱۲۷۹ تولد یافته است. امضای مأمور و مهر سجل احوال شعبه نمره دفتر سجل ولایتی خوی و شاهپور، محل امضا و مهر اداره.

[حاشیه] سواد مطابق اصل است [امضاناخوانا]، [مهر] وزارت داخله، احصائیه و سجل احوال کل مملکت، دفتر سجل ولایتی خوی و شاهپور.

۱ - ۴ - ۶۷۱۹۱۶

سند شماره ۳

سواد دستخط وزارتی

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف، به تاریخ ۱۳۱۰/۶/۲، نمره ۵۲۳۳/۱۲۹۶۲، ضمیمه (۱)

آقایان اهالی خوی، در جواب مشروحی که به توسط نماینده محترم مجلس شورای ملی آقای بیات، مبنی بر تقاضای (۱) صدور امتیاز طبع و انتشار روزنامه در خوی ارسال داشته بودید، اشعار می‌دارد:

طبع و نشر روزنامه در هر نقطه از نقاط مملکت منوط است به آن که، یک نفر شخصی صلاحیت‌دار به عنوان مدیر تقاضای امتیاز جریده کند.

وزارت معارف بعد از احراز صلاحیت تقاضاکننده، فقط به اعطاء امتیاز و اجازه طبع و انتشار اقدام می‌کند. لذا برای تدارک مقدمات امر لازم است به اداره معارف ایالتی آذربایجان مراجعه نموده به وسیله [ای] انجام مقصود خود را بخواهد. محل امضاء و مهر وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه.

[حاشیه ۱] سواد مطابق اصل است. از طرف رئیس نظمی خوی. محل مهر نظمی خوی.

[حاشیه ۲] [مهر] سواد مطابق اصل است. دفتر معارف خوی ۱۳۱۲/۴/۱۸، جاوید.

۱ - ۴ - ۶۷۱۲۶

۲ - اصل: تقاضای

سند شماره ۲

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف و اوقاف ایالت غربی آذربایجان، شعبه تفتیش، نمره ثبت دفتر ۲۸۲۸، کارتن ۳ دوسیه ۴، تاریخ [...] ۱۳۱۲/۵/۴ (۱)

مقام منبع وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه دامت شوکتها، اغلب از طرف اشخاص به این اداره مراجعه و تقاضای اصدار امتیاز سه‌جمله روزنامه می‌شود، ولی این اداره نظریه مرقومه نمره ۵۶۰ - ۱۳۱۱/۸/۱۸ اداره محترم معارف شرق آذربایجان که اشعار داشته بودند: «که قانون جدیدی که وزارت جلیله متبوعه راجع به مطبوعات از مجلس خواهند گذراند هنوز تصویب و ابلاغ نشده و قبل از ابلاغ آن قانون هم تقاضای صدور امتیاز جریده ممنوع است» به مراجعه کنندگان جواب رد می‌دهد.

بنابراین مستدعی است، در جواب (۱) اعلام فرمایند که قانون قدیم در قوت خود باقی است [است] دیگران برطبق آن درخواست امتیاز جریده و مجله نموده، و یا باید منتظر تصویب قانون جدید شد؟ [امضا ناخوانا]

[حاشیه] نمره ۲۹۸۷ - ۱۲/۵/۴، سواد در جواب نمره ۸۵۷ - ۱۲/۴/۱۹ به دفتر معارف خوی ارسال می‌شود. [امضا ناخوانا]

۱ - ۴ - ۶۷۱۲۶

۲ - اصل: جواب